



Representation of individual factors affecting the probability of divorce: A phenomenological study

Received: 2018- 07- 13

Accepted: 2019- 02- 14

Ali Moghaddamzadeh
Amoghadamzadeh@ut.ac.ir

Assistant Professor, Department of Methods and Curriculum,
Faculty of Psychology and Educational Sciences University of
Tehran (**Corresponding Author**)

Tahereh Sadat Alavi

Ph.D. in Assessment and Measurement, University of Tehran

Mohammad Ali Mazaheri

Professor of Clinical Psychology, Faculty of Education and
Psychology, Shahid Beheshti University

Elaheh Hejazi Moughari

Associate Professor, Department of Educational
Psychology of Medical Sciences, University of Tehran

Keyvan Salehi

Assistant Professor, Department of Methods and
Education, University of Tehran

Gholamali Afrooz

Professor of Exceptional Children of the University of
Tehran

Abstract

Increasing the probability of getting divorce is one of the most ominous facts and most dangerous things that can really damage the health of each society. Therefore, the present study aims to identify and represent individual indicators affecting the probability of harming divorce, which in a descriptive and qualitative phenomenological method is used. The research sample includes all marriage couples referring to Khorasan Razavi Health Center and all divorce applicants referring to welfare intervention centers. Participants included 15 engaged couples, 20 couples applying for divorce, selected by targeted sampling method. The criteria for entering the study for marriage applicants were: aged 18 to 40 years old, upper secondary education, first marriage and Tend to participation in research, and in divorced applicants, in addition to the above, the duration of marital life was considered to be a maximum of 10 years. In- depth and semi-structured interviews were used to collect data. The interviews were collected and recorded in a 6-month period and analyzed using the seven-step strategy that resulted to analysis of 579 primary codes, 25 sub-components and 7 main components affecting the probability of harming divorce including temperament, intellectual and psychological maturity, individual skills, individual beliefs, lifestyle, personality disorders, and characteristics appearance.

Key words: *divorce, phenomenological, engaged couples, individual, divorce applicants*

citation

Moghaddamzadeh, A., Sadat Alavi T., Mazaheri, M. A., Hejazi Moughari, E., Salehi, K & Afrooz GH. (2019). Representation of individual factors affecting the probability of divorce: A phenomenological study. *Family Counseling and Psychotherapy*, 2, 115- 146.

بازنمایی عوامل فردی مؤثر در احتمال آسیب طلاق: یک بررسی پدیدارشناسی

پذیرش: ۱۳۹۷-۱۱-۲۵

دریافت: ۱۳۹۷-۰۴-۲۲

علی مقدم زاده Amoghadamzadeh@ut.ac.ir	استادیار گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)
طاهره سادات علوی	دکتری سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه تهران
محمدعلی مظاهری	استاد تمام گروه روان‌شناسی بالینی و سلامت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی
الهه حجازی موغاری	دانشیار گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران
کیوان صالحی	دکتری سنجش و اندازه‌گیری، استادیار گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران
غلامعلی افروز	استاد ممتاز گروه کودکان استثنایی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

افزایش احتمال بروز طلاق از شوم‌ترین واقعیت‌ها و مخاطره‌آمیزترین پدیده‌هایی است که می‌تواند پویایی و سلامت هر جامعه‌ای را با تهدیدهای جدی همراه نماید، بدین منظور پژوهش حاضر با هدف شناسایی و بازنمایی شناسه‌های فردی اثرگذار در احتمال آسیب طلاق انجام شده است که با رویکرد کیفی و به روش پدیدارشناسی از نوع توصیفی انجام شده است. میدان پژوهش دربرگیرنده همه زوج‌های در شرف ازدواج مراجعه‌کننده به مرکز بهداشت استان خراسان رضوی و همه درخواست‌کنندگان طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مداخله بهزیستی است. شرکت‌کنندگان دربرگیرنده ۱۵ زوج در شرف ازدواج، ۲۰ زوج درخواست‌کننده طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مداخله بهزیستی است. شرکت‌کنندگان دربرگیرنده ۱۵ زوج در شرف ازدواج، ۲۰ زوج درخواست‌کننده طلاق بود از: سن میان ۱۸ سال تا ۴۰ سال، تحصیلات سوم راهنمایی به بالا، ازدواج نخست و تمایل به مشارکت در پژوهش؛ در افراد درخواست‌کننده طلاق، افزون بر موارد فوق مدت زندگی زناشویی حداکثر ۱۰ سال نیز لحاظ گردید. از فن مصاحبه، عمیق و نیمه ساختاریافته به منظور گردآوری داده‌ها استفاده شد. مصاحبه‌ها در یک دوره شش‌ماهه جمع‌آوری، ثبت و با به‌کارگیری راهبرد هفت مرحله‌ای کلایزی تحلیل شد که سرانجام به شناسایی ۵۷۹ کد اولیه، ۲۵ مقوله فرعی و هفت مقوله اصلی اثرگذار در افزایش احتمال آسیب طلاق دربرگیرنده: خلق‌وخو، بلوغ فکری و روانی، مهارت‌های فردی، باورهای فردی، شیوه زندگی، مسائل شخصیتی و ویژگی ظاهری منتج گردید.

واژگان کلیدی: طلاق، پدیدارشناسی، در شرف ازدواج، فردی، درخواست‌کننده طلاق

مقدم زاده، علی؛ علوی، طاهره سادات؛ مظاهری، محمدعلی؛ حجازی موغاری، الهه؛ صالحی، کیوان و غلامعلی، افروز. (۱۳۹۷). بازنمایی عوامل فردی مؤثر در احتمال آسیب طلاق: یک مطالعه پدیدارشناسی. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲، ۱۴۶-۱۱۵.

ارجاع

مقدمه

تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی روبه‌رو کرده است به‌گونه‌ای که در طی همین مدت نظام خانواده به شکلی فزاینده به علل و عوامل متعدد و پیچیده‌ای در معرض تهدید قرار گرفته است. هنگامی که کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایتمندی خود را از دست می‌دهند. این روند در ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و درنهایت، واقعه حقوقی طلاق رخ می‌دهد (شکر بیگی، احمدی و ابراهیمی منش، ۱۳۹۵).

همان‌طور که جوامع از لحاظ اقتصادی توسعه می‌یابند و مردم سالم‌تر، از نظر اقتصادی امن‌تر، تحصیل کرده‌تر و دارای ثروت بیشتر می‌شوند اما تغییرات دیگری نیز به وجود می‌آید که می‌توان به افزایش فردگرایی، تمرکز بر روی پیگیری رشد شخصی و تلاش برای آزادی از محدودیت‌های سنتی اشاره کرد. این تغییرات با کاهش نقش سنت، خاندان، گروه، مذهب و هنجارهای اجتماعی، تغییر در شیوه زندگی خانوادگی، از جمله افزایش روابط با غیر همسر، افزایش طلاق، افزایش بارداری بدون ازدواج، کاهش باروری افرادی که ازدواج کرده‌اند و ... همراه است و به نظر می‌رسد فردگرایی می‌تواند به‌عنوان یک تظاهرات درازمدت و فراگیر دیده شود. کاهش مداوم در میزان کنترل اجتماعی که در رابطه با همسران اتفاق می‌افتد، نشان‌دهنده روندی است که ازدواج‌های غیرقانونی را رواج می‌دهد (Cherlin, 2004) و طلاق نمونه‌ی بارزی از این روند است. در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم تغییرات اجتماعی و مجموعه‌ای از تصمیمات حقوقی اتخاذشده، دید مردم را به طلاق بازتر کرده و باعث گسترش زمینه‌های انحلال ازدواج و آسان‌تر شدن طلاق شده است (Amato, 2014).

طلاق را می‌توان به‌عنوان یک پدیده‌ی تأثیرگذار در زندگی زن و مردی که خواستار خاتمه‌ی زندگی مشترک هستند دانست. طلاق مانند گسلی است که به طرق مختلف در زندگی زناشویی افراد و در طبقات مختلف اجتماع وجود دارد و منجر به فروپاشی هسته‌ی اصلی خانواده که به‌عنوان اولین و اساسی‌ترین جامعه‌ی بشری است می‌گردد. گرچه دلایل طلاق متفاوت‌اند اما دلایلی که افراد درخواست‌کننده طلاق بیان می‌کنند را می‌توان به‌عنوان دلایل ظاهری نام برد و برای کمک به بهبود روابط زوجین و پیشگیری از آسیب‌های طلاق می‌بایست به دنبال دلایل اصلی و عمقی آن بود. از آنجاکه درک و فهم و تفسیر لایه‌های عمقی کار پیچیده‌ای است، نیاز به مطالعه و بررسی دقیق و تخصصی دارد (آقاجانی مرسا، ۱۳۸۷).

عوامل مؤثر بر طلاق، از نظر فرح‌بخش و همکاران (۱۳۹۶)، به دودسته کلان و خرد تقسیم می‌گردد. افزایش استقلال مالی زنان، تغییر کارکردهای خانوادگی، قوانین آزادی‌خواهانه طلاق، کاهش مجازات

مذهبی، تنوع در مدل‌های طلاق و فردگرایی به جای خانواده‌گرایی جزو عوامل کلان مؤثر بر طلاق می‌باشند و تفاوت‌های فردی، عدم وجود عشق و دوست داشتن، رفتارهای منفی طرفین، نداشتن مهارت‌های حل مسئله و رضایت نداشتن از یکدیگر، تغییر ارزش‌ها و روابط خارج از ازدواج، ازدواج اجباری و داشتن والدین مطلقه را می‌توان به‌عنوان عوامل خرد مؤثر بر طلاق عنوان نمود.

پژوهش‌های داخلی و خارجی به علل طلاق پرداخته‌اند و به مواردی مانند نداشتن تفاهم اخلاقی، الگوی اجتنابی - مطالبه‌گری، اختلالات روان‌شناختی بالأخص روان‌پریشی و جامعه‌ستیزی، بیکاری، مشکلات مالی و اقتصادی، اختلاف سطح سواد و اختلاف سنی، مشکلات ارتباطی و نداشتن مهارت‌های زناشویی، دخالت خانواده‌ها، تفاوت در تمایل به صمیمیت، تفاوت در قدرت، شناخت ناکافی همسر، اجباری بودن ازدواج، بداخلاقی، حسادت، انعطاف‌ناپذیری، نارضایتی جنسی و رابطه جنسی فرازناشویی، عدم مسئولیت‌پذیری، فقدان ارتباط مؤثر، تعارضات نقشی، شیوه زندگی و بسیاری دلایل دیگر اشاره کرده‌اند.

(Gottman & Levenson, 2002; Hall, 2006; Paik, 2011; Markman, Rhoades, Stanley and)

Peterson, 2013) و (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰؛ شعاع کاظمی، ۱۳۹۲؛ حیدرنیا، نظری و سلیمانان، ۱۳۹۳؛ راست‌گو، گلزاری و براتی سده، ۱۳۹۳؛ کلاتری، روشنفکر و جواهری، ۱۳۹۰؛ روحی، جزایری، فاتحی زاده و اعتمادی، ۱۳۹۶؛ خدادادی سنگده، نظری و احمدی، ۱۳۹۶؛ حسینی بیرجندی، ۱۳۹۶).

همچنین پژوهش‌هایی در جهت آثار زیان‌بار طلاق و پیامدهای آن صورت گرفته است که نشان می‌دهد طلاق چه عواقبی را در بر خواهد داشت. از میان پیامدهای طلاق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: خطر فزاینده آسیب روانی، شیوع فزاینده بیماری جسمی، خودکشی، خشونت، قتل زوجین و خطر افسردگی و خودکشی، انزوا و شایستگی پایین، مشکلات تندرستی و عملکرد تحصیلی پایین برای فرزندان (Birditt, 2010; Brown, Orbuch, & McIlvane, 2010 به نقل از Gottman, 1994); (Kamp Dush & Taylor, 2012) همچنین طلاق، سلامت روانی و فیزیکی زنان، مردان و فرزندان آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (صادقی و ایثاری، ۱۳۹۲، به نقل از Birditt, Clarke, Stewart & Brentano, 2006). (Amato, 2014) نیز بر این باور است، افرادی که طلاق را تجربه کرده‌اند با کشمکش‌های متعدد فردی و میان فردی مواجه‌اند.

بر اساس آمار ثبت‌احوال کشور در ایران از سال ۱۳۶۱ که از هر هزار ازدواج ۹۲ فقره طلاق به ثبت رسیده که برابر ۷٫۹ درصد می‌باشد در سال ۹۶ از هر ۴ ازدواج یک طلاق به ثبت رسیده است (سایت سازمان ثبت‌احوال کشور، ۱۳۹۷) که می‌تواند تلنگری برای متخصصین و سیاست‌گذاران باشد.

میزان طلاق در طول زمان به‌طور مرتب در حال افزایش است و اینجاست که حضور پژوهش‌هایی در مورد عوامل زمینه‌ساز طلاق از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد. پژوهش‌های انجام‌شده در این مورد، دامنه وسیعی از موضوعات مختلف از جمله: عوامل زمینه‌ساز، پیش‌بینی‌کننده و مشکلات ناشی از وقوع

آن را در برمی گیرد. با توجه به اینکه نتایج پژوهش‌ها را از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر، نمی‌توان تعمیم داد (Chang, 2003)، چراکه علل طلاق در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است (نوابی نژاد، محمدی، کریمی و فلاح، ۱۳۹۶ به نقل از Moore & Schwebel, 2009). پژوهش‌های داخلی نیز به بررسی علل طلاق در جامعه ایرانی پرداخته و عوامل متنوع شخصی، اقتصادی، ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی را شناسایی کرده‌اند (حکیم، زاهدی فر، ۱۳۸۹؛ هنریان و یونسی، ۱۳۹۰؛ صدراالاشرفی، طارسی خنکدار، شمخانی و یوسفی افراشته، ۱۳۹۱؛ نوابی نژاد، محمدی، کریمی و فلاح، ۱۳۹۶) اما آنچه که دیده می‌شود این است که اکثر پژوهش‌ها در راستای ارائه‌ی علل طلاق به‌طور عام صورت گرفته است و کمتر پژوهشی به‌طور منسجم بر تحلیل یک مقوله‌ی بروز طلاق در فرهنگ ما و به‌طور خاص‌تر بر روی مقوله‌ی فردی بروز طلاق تأکید داشته است. از طرفی به دلیل بافت نگر بودن تحقیقات کیفی^۱ (Creswell, 2013) و مطالعه‌ی عمیق تجربه‌ی پدیده از دیدگاه افراد تجربه‌کننده‌ی پدیده (کریمی، الماسی، محمدی، فاضلی، ۱۳۹۵ به نقل از Moustakas, 1994).

پژوهش حاضر تلاش کرده است تا با رویکرد بافتی و مطالعه‌ی عمیق پدیده از دیدگاه دو گروه که عبارت‌اند از افراد در شرف ازدواج که با توجه به نگرش و دانسته‌های خود و افراد درخواست‌کننده طلاق که در بستر و تجربه زیسته‌ی طلاق قرار دارند، به بررسی بسترهای فردی طلاق بپردازد و تا حدودی شکاف موجود در تحقیقات گذشته را پر کند. آنچه که در این پژوهش مدنظر قرار گرفته است، با توجه به اهمیت شناسایی شناسه‌های فردی اثرگذار در افزایش احتمال آسیب طلاق و نبود مطالعه‌ی عمیق در این حوزه، شناسایی عوامل فردی مؤثر بر طلاق است تا بتواند با برنامه‌ریزی‌های آگاهانه و تخصصی گامی مؤثر بر سلامت اجتماع و خانواده بردارد و به‌طور کلی می‌توان گفت این پژوهش با پیدا نمودن مقوله‌های فردی بر اساس عوامل زمینه‌ای در جستجوی افراد دارای ریسک طلاق است تا به افراد در شناسایی زوج مناسب خود جهت ساختن یک زندگی منسجم و پایدار کمک شایانی نموده و به ارتقای فرهنگ جامعه در زمینه فرهنگ زناشویی سالم بپردازد، از سویی دیگر به متخصصین و مشاوران در راستای برنامه‌ریزی آموزشی و درمانی در مشاوره‌های قبل و حین ازدواج در جهت سالم‌سازی کانون خانواده و جلوگیری از پیامدها و آثار زیان‌بار طلاق کمک می‌نماید و همچنین به سیاست‌گذاران برای تدوین برنامه‌های اجتماعی مناسب یاری خواهد رساند؛ و درنهایت، این پژوهش تلاش می‌کند تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. مقوله‌های اصلی فردی اثرگذار در افزایش احتمال آسیب طلاق کدام‌اند؟
۲. مقوله‌های فرعی فردی اثرگذار در افزایش احتمال آسیب طلاق کدام‌اند؟

روش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی با استفاده از روش پدیدارشناسی^۱ از نوع توصیفی^۲ بوده که فنون آن مصاحبه و مستند کاوی است و به تبیین پدیده‌ی فردی احتمال آسیب طلاق درخواست کنندگان ازدواج جهت شناسایی ملاک‌ها و نشانگرهای مناسب برای تشخیص احتمال آسیب طلاق درخواست کنندگان ازدواج می‌پردازد. در پژوهش حاضر که با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختارمند با افراد در شرف ازدواج و درخواست کننده طلاق یا مطلقه انجام شد، تلاش گردید تا مقوله‌های فردی احتمال آسیب طلاق، شناسایی و بازنمایی گردد. جامعه پژوهش شامل همه زوج‌های در شرف ازدواج مراجعه کننده جهت انجام آزمایش‌های ازدواج به مراکز بهداشت استان خراسان رضوی و درخواست کنندگان طلاق مراجعه کننده به مرکز مداخله بهزیستی استان در سال ۱۳۹۶ است. روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی و در دسترس بود. فرایند انتخاب حجم نمونه با مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته تا حصول اشباع نظری^۳ داده‌ها یعنی تا زمانی که هیچ‌گونه اطلاعات و داده‌های جدیدی حاصل نشد و مصاحبه بیش از این تکراری بود ادامه یافت که حاصل آن نمونه‌ای به حجم پانزده زوج در شرف ازدواج و بیست زوج درخواست کننده طلاق به دست آمد. ملاک‌های ورود به مطالعه در درخواست کنندگان ازدواج عبارت بود از: سن (۱۸ تا ۴۰ سال، ۲) تحصیلات سوم راهنمایی به بالا، (۳) ازدواج اول، (۴) داشتن تمایل به مشارکت در پژوهش و در افراد درخواست کننده طلاق افزون بر موارد فوق، مدت زندگی زناشویی حداکثر ۱۰ سال.

ابزار پژوهش

گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته و تعدادی سؤال کلی از عوامل فردی مؤثر بر طلاق بود. پس از پاسخ افراد که مبتنی بر تجارب زیسته‌ی ایشان بود سؤالات عمیق‌تری جهت واکاوی اندیشه‌ها و تجاربشان پرسیده می‌شد. سؤالات به صورتی بیان می‌گردید که شخص احساس دخالت در زندگی خصوصی نداشته و به راحتی پاسخ خود را بیان کند. از جمله سؤالاتی که پرسیده شد می‌توان به این موارد اشاره کرد: تعریف ازدواج از دیدگاه آن‌ها؟ آمادگی ازدواج به چه معنی است و آیا آن‌ها خود را آماده ازدواج می‌دانستند؟ علل اصلی طلاق چیست؟ چه عوامل فردی در طلاق مؤثر است؟ و در ادامه با پاسخ آن‌ها سؤالات ادامه می‌یافت.

-
1. phenomenology
 2. descriptive
 3. theoretical saturation

شیوه اجرای پژوهش

مصاحبه‌ها با چند سؤال کلی شروع شده و در طول آن در مواقع لزوم توضیحات بیشتر پرسیده شد. مصاحبه‌ها میان ۳۰ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. قبل از انجام مصاحبه توضیحاتی در مورد پژوهش داده شد و با رضایت کامل افراد شرکت‌کننده و با تعهد در اصول رازداری و اخلاقی مصاحبه صورت پذیرفت. مصاحبه با زوجین به صورت مجزا در اتاق مشاوره صورت گرفت. مصاحبه‌ها در طول یک دوره ۶ ماهه جمع‌آوری، ثبت و با استفاده از روش کلایزی^۱ کدگذاری و تحلیل شد. بدین منظور متن مصاحبه‌ها بر روی کاغذ پیاده شده، سپس به دقت خوانده و عبارات مهم آن مشخص و معنای هر عبارت مهم به صورت کد اولیه نوشته شد، سپس کدهایی که به لحاظ مفهومی شبیه یکدیگر بودند، در یک طبقه و در قالب مقوله فرعی قرار گرفتند و با ادغام دسته‌های کلی‌تر و بر اساس توصیف کاملی از پدیده‌ی مورد مطالعه مقوله اصلی استخراج شد (گیویان، ۱۳۹۵، به نقل از Saldana, 2013).

به منظور اعتبار یابی مقوله‌های فرعی و اصلی پژوهش از راهبرد چندسویه‌سازی داده‌ها که مصاحبه با دو گروه در شرف ازدواج، درخواست‌کننده طلاق استفاده شد، در حین مصاحبه نیز برداشت مصاحبه‌گر مورد تأیید مشارکت‌کنندگان قرار می‌گرفت تا بیانگر عمق معنای بیان‌شده توسط مشارکت‌کنندگان باشد. همچنین افزون بر کدگذاری توسط پژوهشگر، متن مصاحبه‌ها برای بررسی دقیق‌تر و کدگذاری مجدد به یک متخصص پژوهش کیفی ارائه شد و توافق دو کدگذاری با استفاده از ضریب کاپا^۲ برابر ۰٫۸۶ به دست آمد که به طور معناداری ضریب همبستگی توافق را نشان می‌دهد و در نهایت مقوله‌های اصلی و فرعی اثرگذار بر احتمال بروز آسیب طلاق شناسایی و طبقه‌بندی گردید.

اخلاق پژوهش

ابتدا اطلاعات کافی در مورد هدف پژوهش به شرکت‌کنندگان داده شد و در مورد فرایند مصاحبه، ضبط نمودن صحبت‌های ایشان، از آن‌ها اجازه گرفته شد و به آن‌ها نسبت به رازداری و محرمانه بودن مصاحبه‌ها خاطر نشان گردید و از آن‌ها خواسته شد که در صورتی که رضایت ندارند نام خود را بیان کنند از کد یا نام

1. Colaizzi

2. measure of agreement Kappa

مستعار استفاده نمایند. با توجه به اینکه هدف پژوهشگر بیان اندیشه‌ها و تجارب فردی زوجین بود مصاحبه‌ها به صورت فردی اجرا می‌شد تا افراد بتوانند راحت تر نظرات خود را ارائه دهند.

یافته‌های پژوهش

ابتدا اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان از قبیل سن و تحصیلات بدین شرح استخراج گردید: تعداد افراد در شرف ازدواج ۱۵ زوج، با دامنه‌ی سنی میان ۱۹ تا ۲۹ سال در زنان با میانگین ۲۲ سال و میان ۲۳ تا ۴۰ سال در مردان با میانگین ۲۸ سال، تحصیلات زنان این گروه از دیپلم تا کارشناسی با فراوانی ۱۱ نفر دیپلم و ۴ نفر کارشناسی و تحصیلات مردان از دیپلم تا دکتری با فراوانی ۷ نفر دیپلم، ۱ نفر کاردانی، ۵ نفر کارشناسی، ۱ نفر کارشناسی ارشد و ۱ نفر دکتری می‌باشد و ۲۰ زوج درخواست کننده طلاق با دامنه‌ی سنی ۲۰ تا ۳۴ سال با میانگین ۲۷ سال در زنان و سنین ۲۵ تا ۴۰ سال در مردان با میانگین ۳۱ سال و تحصیلات زنان از سوم راهنمایی تا کارشناسی با فراوانی ۳ نفر سوم راهنمایی، ۱۲ نفر دیپلم، ۱ نفر کاردانی و ۴ نفر کارشناسی و تحصیلات مردان از سوم راهنمایی تا کارشناسی با فراوانی ۴ نفر سوم راهنمایی، ۶ نفر دیپلم، ۲ نفر کاردانی و ۸ نفر کارشناسی، در این پژوهش شرکت داشتند.

بعد از انجام مصاحبه‌ها و تحلیل مبتنی بر هفت گام راهبرد کلایزی، در نهایت ۲۵ مقوله فرعی و ۷ مقوله اصلی با عنوان مقوله خلق و خو، مقوله بلوغ فکری و روانی، مقوله مهارت‌های فردی، مقوله باورهای فردی، مقوله شیوه زندگی، مقوله مسائل شخصیتی و مقوله ویژگی‌های ظاهری شناسایی و طبقه‌بندی گردید که در ادامه ابتدا در قالب نمودار و جدول و سپس در قالب نوشتار هر یک به اختصار تبیین شده است.



نمودار شماره ۱: طرح‌واره مفهومی پژوهش

همان‌طور که از نمودار فوق مشاهده می‌گردد، هفت مقوله اصلی با عناوین مقوله خلق و خو، مقوله بلوغ فکری و روانی، مقوله مهارت‌های فردی، مقوله باورهای فردی، مقوله شیوه زندگی، مقوله مسائل شخصیتی و مقوله ویژگی‌های ظاهری از مصاحبه‌ها استخراج شده است.

جدول شماره ۲: ترکیب مقوله‌های فرعی و یافتن مقوله‌های اصلی

کدهای اولیه	مقوله‌های فرعی	فراوانی مقوله‌های اصلی
توهین - تحقیر - دهن‌بینی - دروغ - عصبانیت - غرور - کینه - بدبینی - سخن‌چینی - عصبانی شدن - انتظار غیرمنطقی - دهن‌بینی - سرزنشگری - عیب‌جویی - تهدید - ذهن‌خوانی	ویژگی‌های خلقی منفی	
مهربانی - خوش‌صحبتی - ادب - احترام - متانت - شاد بودن - اقتدار - تفکر مثبت - امید به زندگی - هویت سالم	ویژگی‌های خلقی مثبت	خلق و خو
منیت - توقع - انعطاف‌پذیری - عدم قضاوت - گذشت - قناعت - فداکاری	گذشت	
کم‌صبری - عدم تاب‌آوری	تاب‌آوری	
صداقت - درستکار بودن	صداقت	
منعطف بودن - عدم انعطاف	انعطاف‌پذیری	
پختگی - ما شدن - کامل شدن - پذیرش - موقعیت ازدواج - اتمام تحصیلات و داشتن شغل - طرح‌واره‌های کارآمد	پختگی	
مدیریت مالی - توان اقتصادی - قناعت - مدیریت تغییرات - خسیس بودن	مدیریت مالی	
تصمیم‌حساسی - عشق نابخردانه - هوا و هوس - رفیق‌باز بودن - قضاوت عجولانه - تنهایی - فرار از تنهایی	تصمیم‌حساسی	
سن پایین - عدم پختگی - عدم بلوغ فکری - عدم آمادگی جسمی - ایده آل‌گرایی	سن کم	بلوغ فکری و روانی
مسئولیت‌پذیری - مدیریت موفق - ما شدن - پذیرفتن مشکلات - تلاش کردن	مسئولیت‌پذیری	
تعهد - وفاداری - عدم منیت - ما شدن	تعهد	
عدم تمایز از خانواده اولیه - فرار از تنهایی - انتخاب درست - مستقل شدن - جدا شدن از خانواده - عدم استقلال - تلاش جهت ثبات شغلی -	تمایز یافتگی و استقلال	
عدم شناخت دیگری - انتخاب نادرست	شناخت طرف مقابل	۵۷۹
مهارت حل مسئله - قدرت تصمیم‌گیری	حل مسئله	مهارت‌های فردی
خودآگاهی - عدم شناخت - مهارت نه گفتن - اعتماد به نفس	خودآگاهی	
هوش هیجانی و عقلی - هدفمندی - اعتماد به نفس	هوش عقلی و هیجانی	
به دل نشستن - فاصله کم سنی والد و فرزند - دیر شدن ازدواج - محدودیت‌های قبل ازدواج - آزادی قبل ازدواج - ترتیب ازدواج - کوتاه آمدن	باورهای فردی	باورهای فردی
تفاوت میان ازدواج سنتی و غیر سنتی - چشم و هم‌چشمی - تجملات - تنوع‌طلبی - خانه‌داری	شیوه زندگی قومیتی	شیوه زندگی
طلاق آسان - ازدواج سپید - پذیرش فرهنگ رسانه‌ای -	شیوه زندگی عاریتی	
درون‌گرایی و برون‌گرایی - سلطه‌گری و سلطه‌پذیری	تیپ شخصیتی	مسائل روان‌شناختی
وسواس - دوقطبی - افسردگی - هیستریک - شخصیت مرزی - سوطن - بدبینی - عدم ثبات هیجانی	اختلالات شخصیتی	
ظاهر مناسب - زیبایی متعارف - جذابیت ظاهری - تناسب ظاهری	ظاهر فرد	ویژگی ظاهری
نوع پوشش - شیک پوشیدن - داشتن نظم	پوشش	

مقوله فردی

مصاحبه‌شوندگان مهم‌ترین علل طلاق که می‌بایست قبل از ازدواج بررسی گردد را ویژگی‌های فردی و شخصیتی زوجین ابراز می‌کردند که برخی از این ویژگی‌ها باعث دوام و غنی شدن ازدواج و برخی باعث ازهم‌پاشیدگی زندگی خواهد شد که در مجموع هفت مقوله اصلی و ۲۵ مقوله فرعی به دست آمد که به شرح ذیل می‌باشد.

۱. مقوله خلق و خو

این مقوله به مقوله‌های فرعی تقسیم می‌شود که به ترتیب عبارت‌اند از:

مقوله فرعی ویژگی‌های خلقی مثبت همانند رأفت و مهربانی: یکی دیگر از هدف‌های ازدواج بر اساس آیه ۲۱ سوره روم انس و رأفت و مهربانی است. مودت و رحمت عامل اصلی تحکیم خانواده می‌باشد. هر فردی که تصمیم به ازدواج می‌گیرد برای داشتن خانواده‌ای پرنشاط و گرم می‌بایست در گزینش همسر دقت لازم را داشته باشد که یکی از ویژگی‌های یک همسر خوب داشتن مودت و مهربانی است. در یک خانواده‌ی مستحکم زن و شوهر نسبت به یکدیگر مودت و رحمت دارند، مودت جنبه‌ی متقابل دارد ولی رحمت یک‌طرفه و نشانه‌ی ایثارگری فرد است (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۶).

زوج هفتم در شرف ازدواج در این مورد می‌گوید: «من همسری می‌خواستم که صادق و مهربان باشد، الان هر چیزی که به آن اعتقاد دارم ایشان آن را در وجودش دارد. دیدش به زندگی مثبت است. زندگی پر از نوسان است اما زن باید بلد باشد اگر مرد ناراحت بود همان لحظه از او چیزی نپرسد اجازه دهد آرام شود و بعد با او صحبت کند. زن و مرد باید همدیگر را درک کنند».

مقوله فرعی ویژگی‌های خلقی منفی: اسمیت^۱ در کتابش بنام دروغ در محراب بیان کرده است که چگونه قبل از ازدواج روی دروغ‌هایی که از بچگی در زندگی آموخته‌ایم تمرکز کنیم و سعی کنیم از دروغ گفتن اجتناب نماییم و همچنین بیان می‌کند که راز هر ازدواج موفق در صداقت و بیان حقایق نهفته است، او می‌گوید خیلی از دروغ‌گویی‌ها آگاهانه نیست و به صورت عمدی اتفاق نمی‌افتد بلکه عدم سؤال پرسیدن، عدم برآورده شدن نیازهای فرد، عدم توانایی درک روابط و عدم واقع‌گرایی دلایل بوجود آورنده آن است (دارینی، نوایی نژاد، ۱۳۹۱).

زوجه چهارم درخواست‌کننده طلاق می‌گوید: «من به خاطر فرار از خانواده و کمبود محبت در خانواده ازدواج کردم. نیاز به همدم و همدل داشتم اما همسرم بددل بود، بداخلاقی می‌کرد، مرا کتک می‌زد، من از همسرم فقط محبت می‌خواستم، اما همسرم دروغ‌گو است، در زندگی مشترک فقط به فکر نیازهای خودش است. بدبین و عصبی است».

مقوله فرعی گذشت: نقش خانواده در تکوین شخصیت افراد بر همگان مشخص است و اثرات نامطلوب نابسامانی خانواده بر روی اعضای آن موجب می‌شود به راهبردهای معنوی که می‌توانند در استحکام زندگی زناشویی مؤثر

باشند تأکید گردد. از میان راهبردهای معنوی می‌توان به گذشت و بخشودگی اشاره کرد، بخشودگی می‌تواند در رضایتمندی زناشویی مؤثر باشد به طوری که (Worthington, 1998) بخشودگی را باعث افزایش شناخت خود و درک طرف مقابل می‌داند و این مهم فرد را از احساسات و افکار منفی دور می‌سازد. از نظر وی بخشودگی دارای سه بخش عاطفی، شناختی و رفتاری است که فرد افزون بر بخشیدن به طرف مقابل عشق می‌ورزد، متعهد است و در راستای رضایتمندی زناشویی گام برمی‌دارد (غفوری، مشهدی، حسن‌آبادی، ۱۳۹۲).

زوجه دوازدهم در شرف ازدواج می‌گوید: «هدف ازدواج آرامش و پیشرفت است. حال برای رسیدن به آن نیاز به گذشتن از خود به خاطر دیگری وجود دارد. از خودگذشتگی لازمه ازدواج است. زمانی سو تفاهم به وجود می‌آید که زوجین شناخت درستی از یکدیگر ندارند. در این صورت کوتاه نیامدن و عدم از خودگذشتگی رابطه را خراب می‌کند».

مقوله فرعی تاب‌آوری: صبر یکی از آموزه‌های دینی و اخلاقی است که ۱۰۳ بار در قرآن کریم و در ۹۳ آیه آمده است و آن را با تحمل سختی‌ها و نامایمات جهت رسیدن به قرب الهی و شکیبایی، بردباری، پذیرش و استقامت و مداومت در امور و پرهیز و خویشنداری در برابر امیال نفسانی برابر می‌داند. پژوهشگران غربی صبر را به تعویق انداختن نیازها به منظور اقناع بهتر در آینده تعریف کرده‌اند اما اخیراً تعریف دیگری به آن اضافه کرده‌اند که آن را در زمره‌ی اخلاقیات نیز قرار داده‌اند. در پژوهش‌هایی نیز که در ایران انجام شده است صبر را به عنوان فضیلتی اخلاقی یاد کرده و آن را به استقامت، شکیبایی، خویشنداری، رضایت و متعالی شدن فرد معنی می‌کنند (زارع، فرمانی، ۱۳۹۶).

زوج نهم درخواست کننده طلاق می‌گوید: «به علت مشکلات تنهایی احساس کردم ازدواج کنم چون پدر و مادرم از هم جدا شده بودند، مشاوره نرفتم چون قبول نداشتم، تحت درمان روان‌پزشک بودم اما بعد ازدواج به علت پرخاشگری و کمبود صبر زندگی‌ام روبه‌زوال رفت. هر دو کم‌صبر بودیم و تلاشی در بهبود وضعیتمان نمی‌کردیم».

مقوله فرعی صداقت: اعتماد و صداقت دوروی یک سکه‌اند و باهم ارتباط نزدیکی دارند، معنی اعتماد این است که فرد مقابل نسبت به تعهدات خود همیشه و همه‌وقت پایبند بماند و صداقت بدین معناست که شخص از واقعیت صحبت کند و کلام درست بر زبان جاری سازد و هدفش فریب فرد مقابل نباشد. اعتماد و صداقت ارتباط نزدیکی با رفتار دارد بنابراین باید میان حرف و عمل همخوانی وجود داشته باشد (اندوز، حمید پور، ۱۳۸۷).

زوجه ششم درخواست کننده طلاق می‌گوید: «در زندگی موفق صداقت و همدلی، مشارکت در زندگی و متعهد بودن مهم است. من همیشه اولین چیزی که برایم مهم بود صداقت بود. بعد محبت و صمیمیت دوطرفه؛ اما همسر من این‌طور نبود، او صداقت نداشت به من خیانت کرد اما من به خاطر دوست داشتنش تمام عیب‌های همسر را علنی نکردم و چیزی به خانواده‌ها نگفتم».

مقوله فرعی انعطاف‌پذیری: انعطاف‌پذیری به میزان تغییرات اشاره دارد، تغییراتی از قبیل نوع رهبری و قواعد خانوادگی و همچنین روابط میان فردی. زوج‌های موفق انعطاف‌پذیرترند زیرا با یکدیگر مسائل را مطالعه کرده و

دست به تصمیم‌گیری مشترک می‌زنند. همچنین آن‌ها در برابر تغییرات سازگارترند و در مواجهه با اختلافات نیز خلاقیت بیشتری را نشان می‌دهند و نقش‌های را با یکدیگر تقسیم می‌کنند و به‌عنوان یک تیم به‌جای اینکه با یکدیگر رقابت کنند، بیشتر با یکدیگر همکاری می‌کنند (دارینی، نوابی نژاد، ۱۳۹۱).

زوج چهاردهم درخواست‌کننده طلاق می‌گوید: «بی‌حرمتی، خودمختاری خانم، زن‌سالاری در خانواده‌شان و ارزش قائل نشدن به من باعث شد که کارما به طلاق و جدایی بکشد، سال‌ها فقط همدیگر را آزار دادیم. هیچکداممان کوتاه نمی‌آمدیم و روابط ما خیلی خرابتر از آن است که بازسازی شود. خانم انتظار دارند هرچه می‌خواهند بدون چون و چرا برایشان برآورده کنم، بدون اطلاع من هرکاری می‌کنند. معنای خانواده یعنی آرامش نه اینکه از کوچکترین چیز یک دعوی بزرگ راه یافته و حتی اجازه نداشته باشم از جهیز به خانم استفاده کنم و هیچ حق نظری نداشته باشم. وقتی خانم خودش رو محق می‌داند و در هیچ کاری انعطاف ندارد، علاقه و احساس کم‌رنگ می‌شود، دیگر کار به‌جایی می‌رسد که امکان ادامه نیست مثل اینکه یک تبر به ریشه ضربه می‌زند و پس از مدتی ریشه از میان می‌رود و درخت می‌افتد و قابل ترمیم نیست».

۲. مقوله بلوغ فکری و روانی

مقوله فرعی پختگی روانی: Greenberg and Sorensen در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، چند پژوهش را با هدف شناسایی مقوله‌های پختگی روانی-اجتماعی و بازبینی تئوری‌های قبلی که به مسئله پختگی پرداخته بودند، انجام دادند. هدف آن‌ها ارائه‌ی مدلی بود که هر دو جنبه روانی و اجتماعی پختگی را پوشش دهد. آنان یک مدل چندبعدی از پختگی روان‌شناختی طرح‌ریزی کردند که به سه زیرمجموعه تفکیک می‌شود که عبارت‌اند از: شایستگی فردی، شایستگی میان فردی و شایستگی اجتماعی. شایستگی فردی را می‌توان به توانایی فرد برای عملکرد مستقل و کنترل زندگی خویش با وابستگی محدود به دیگران تعریف کرد. شایستگی میان فردی شامل توانایی فرد برای برقراری ارتباط و داشتن روابط متقابل مثبت با دیگران است و شایستگی اجتماعی شامل بکار بردن توانایی فردی در راه کمک به رفاه و بهزیستی جامعه است (محمدخانی، سالمی لنگرودی، قاسمی و حکیم پور، ۱۳۹۵، به نقل از Morales-Vives, Camps, and Lorenzo-Seva, 2013).

زوجه بیستم درخواست‌کننده طلاق می‌گوید: «الآن تعریفم از آمادگی فرق کرده. موقع ازدواج خانواده‌ام مخالف ازدواج ما بودند اما من می‌گفتم ما بالغیم و باید خودمان تصمیم بگیریم که بعد دیدم این‌طور نیست، او خوب تربیت نشده بود، دوران نامزدی کتکم می‌زد، تحقیرم می‌کرد و درخواست‌های نامعقولی داشت، کاش همان موقع طلاق می‌گرفتم، بلد نبود محبت کند، ثبات شخصیت نداشت و در طی این هفت سال هرگاه پیشرفتی داشت خواستار طلاق بود، حتی روابطش با پدرش هم خیلی بد بود. خانواده یعنی پشتیبانی، نزدیکی و محبت، شنیدن و درک کردن هم و حل مشکلات اما این‌ها را هم سرم درک نمی‌کرد، درگیر عقده‌ها و کمبودهایش بود. فکر نمی‌کنم هیچ‌گاه بزرگ شود».

مقوله فرعی مدیریت مالی: اگر به تاریخچه‌ی اقتصاد خانواده نگاهی بیندازیم در قرن نوزدهم مردان به‌عنوان نان‌آور، مسئول تأمین مالی از کل خانواده است. در عین حال، همسران به لحاظ مالی وابسته به شوهران بودند و عمدتاً مسئولیت مراقبت از خانواده را بر عهده داشتند. این باعث ایجاد یک سلسله‌مراتب می‌شد که مردان در رأس قرار می‌گرفتند و به نظر می‌رسید که حق کنترل پول بیش از همسرشان را داشته‌اند؛ اما به نظرمی رسد این سلسله‌مراتب امروزه به‌طور قابل توجهی تغییر کرده است. مفاهیم روابط دوستانه زناشویی، برابری و مشارکت باعث شده که بدون توجه به اینکه چه کسی نان‌آور است، زوج‌ها اغلب به‌عنوان افرادی که می‌خواهند پول خود را به دست آورند، به بازار کار می‌روند؛ اما این شروع ماجراست و می‌تواند مناقشه ایجاد کند. مخصوصاً اگر زوج‌ها ایده‌های مختلف در مورد مشارکت و حقوق برابر و توزیع پول داشته باشند و این عدم مدیریت مالی و خودخواهی زوجین در نوع عملکرد مالی می‌تواند منبع اصلی درگیری و استرس در رابطه باشد. این منبع درگیری می‌تواند جزو دلایل مراجعه زوج‌ها به روان‌شناس و یا علت طلاق باشد (Atwood, 2012). به نقل از (Vogler, 2005).

زوجه سوم در شرف ازدواج می‌گوید: «در مجردی فرد هدفی ندارد، اما با ازدواج فرد پیشرفت می‌کند چه از لحاظ مالی و چه از زمینه‌های دیگر. با فردی ازدواج کردم که علائق و اخلاقیاتش هم کفو من است، تمام تلاشش این است که روی پای خودش بایستد و وابسته‌ی مالی به والدینش نباشد، مستقل باشد. همیشه می‌گوید من می‌توانم، تلاش زیادی دارد و مسئولیت‌پذیر است. از لحاظ مالی وابسته به پدر و مادرش نیست و مدیریت خوبی دارد و من به او اعتماد دارم».

مقوله فرعی تصمیم احساسی: (Sternberg, 1986) سه مؤلفه را برای عشق فرض نمود که عبارت‌اند از: شهوت که به موارد زیر اشاره دارد: احساس جنابیت فیزیکی همراه با کشش فیزیولوژی، جنابیت جنسی و اشتغال ذهنی مثبت به معشوق این بعد جنبه انگیزشی دارد و میل شدید همراه با برانگیختگی فیزیولوژی توأم با میل به رابطه جنسی عطف و ورزش در فرد ایجاد می‌کند. صمیمیت که عبارت است از: احساس محبت و اظهار آن، علاقه، مراقبت، مسئولیت، همدلی و غمخواری نسبت به فردی که او را دوست دارد. صمیمیت جنبه هیجانی و عاطفی دارد و نوعی احساس گرمی، محبت، نزدیکی، مرتبط بودن و در قیدو بند طرف مقابل بودن را در فرد ایجاد می‌کند. تعهد: شامل تصمیم‌های خودآگاهانه و غیر خودآگاهانه‌ای می‌شود که فرد برای دوست داشتن دیگری اتخاذ و خود را متعهد به حفظ آن می‌کند. این حالت جنبه شناختی دارد و دربردارنده تصمیم کوتاه‌مدت و بلندمدت برای دوست داشتن و مراقبت متعهدانه از معشوق است (حاجلو، علینزاده گورادل، قطبی، دلاور قوام، ۱۳۹۲)؛ اما اگر فقط جنبه شهوت فعال شود و دو جنبه دیگر وجود نداشته و یا کم‌رنگ باشد، یک عشق کور و یک تصمیم احساسی است که ازدواج بر مبنای آن سرانجام خوشی ندارد.

زوجه دوم درخواست‌کننده طلاق می‌گوید: «آمادگی ازدواج نداشتم، با هم دوست شدید، همسایه بودیم. او مدتی خواستگاری و مجبور شدم جواب دادم، هنوز زود بود ازدواج کنم اما من بیچه بودم، هنوز پانزده‌ساله بودم و احساسی عمل کردم؛ اما بعد دیدیم اخلاقمون به هم نمی‌خورد، چند بار اقدام به ترک کردم، هیچ حسی نسبت به هم نداریم».

مقوله فرعی سن پایین: این مقوله فرعی به ازدواج زودرس و پیامدهایی که مصاحبه‌شوندگان آن را ناشی از ازدواج در سن پایین می‌دانند، می‌پردازد که موجب تشخیص نامطلوب موقعیت مشکل‌آفرین و برخورد نامناسب با مسائل زندگی زناشویی به دلیل کم سن و سالی می‌شود. مفاهیم ازدواج زودرس و نداشتن تصور واقع‌بینانه از ازدواج، عاشق شدن و توجه موقعیت، ناآشنایی با مسئولیت‌های زندگی زناشویی، بچه بودن، لج و لجاجتی و تصمیم عجولانه تشکیل‌دهنده این بخش می‌باشد.

زوجه اول در شرف ازدواج می‌گوید: «من وقتی تصمیم به ازدواج گرفتم هنر زندگی را داشتم، پذیرفتن مسئولیت، رسیدن به بلوغ فکری، مستقل شدن و پذیرفتن مشکلات زندگی از ملاک‌های من بود؛ اما دیده می‌شود در برخی خانواده‌ها بحث و دعوا وجود دارد که می‌تواند به دلیل سن کم دو طرف باشد. سن کم باعث می‌شود نیازهای خود و طرف مقابل مثل نیاز جنسی و چگونگی ارضاء کردن آن را نداند. کم‌تجربه بودن باعث دخالت خانواده، مشاوره‌های نادرست و شاید جدایی شود».

مقوله فرعی مسئولیت‌پذیری: مسئولیت‌پذیری با قدرت تصمیم‌گیری و حل مسئله در ارتباط است. افرادی که از مسئولیت‌پذیری بالایی برخوردارند آگاهانه عمل می‌کنند و از راهبرهای برنامه‌ریزی صحیح استفاده می‌کنند. آن‌ها تمام تلاش خود را بکار می‌برند تا به اهدافشان دست یابند، آن‌ها از مشکلات فرار نمی‌کنند بلکه به مقابله با مشکلات می‌پردازند و مسئولیت اعمال خود را می‌پذیرند و نسبت به تعهدات خود پایبند می‌باشند، در زندگی زناشویی خود نیز این ویژگی‌ها را بروز می‌دهند و لذا به احتمال بیشتری به زندگی زناشویی پایبند هستند (حسینی، زهرا کار، داورنیا، شاکرمی و محمدی، ۱۳۹۴).

زوج هشتم درخواست کننده طلاق می‌گوید: «در هنگام ازدواج مسئولیت‌پذیر شده بودم، رفیق‌بازی را کنار گذاشتم، تعهد در زندگی داشتم، تصمیم گرفتم مسائل دوران مجردی را کنار بگذارم و به زندگی جدیدم بپردازم. همسرم مشهودی بود قبول کرد در شهرستان زندگی کند و تمام شرایط مرا می‌دانست، اما الآن که یک سال از عقدمان گذشته قبول نمی‌کند به شهرستان بیاید. تو زندگی سختی و مشکلات است ولی انسان باید تلاش کند و میدان را خالی نکند. با مشکلات مبارزه کند. هیچ انسانی کامل نیست».

مقوله فرعی تعهد: (Lewis & Spanier, ۱۹۷۹; Berscheid, ۱۹۹۸; به نقل از Levinger, 1965 & 1976) ر پژوهشی از تعهد به عنوان ثروت زناشویی یاد می‌کنند. وی پیشنهاد می‌کند، برای اینکه قدرت تعهد افزایش یابد، می‌بایست به تشدید روابط پرداخت، موانعی از قبیل جاذبه‌های مادی، محبت دیگران، همکاران یا موانع دیگر زمانی بر این رابطه نمی‌تواند تأثیر بگذارند که انگیزه‌ی بیشتری در برقراری روابط زوجین باشد (Schoebi, Karney & Rusbult, Coolsen, Kirchner, & Clarke, 2006 Bradbury, 2012) تعهد را بیشتر از یک وابستگی به رابطه می‌دانند زیرا در وابستگی یا دل‌بستگی یک نفر نقش دارد اما در تعهد هر دو نفر نقش دارند. وابستگی یک ویژگی ساختاری است اما تعهد یک وضعیت روان‌شناختی است که هر دو فرد به یکدیگر جذب می‌شوند (Schoebi and

(Robinson & Blanton, 1993) ازدواج شاد را در گرو تعهد، ارتباطات میان زوجی، انطباق و جهت‌گیری مذهبی می‌دانند (Rosen-Grandon, Myers & Hattie, 2004).
 زوجۀ پانزدهم درخواست‌کننده طلاق می‌گوید: «من همسر مرا نمی‌خواستم مادرش به‌زور و به‌وسیله دعا موجب ازدواج ما شد. همسر در راه، سرکار که می‌رفتم عاشق من شده بود خواهر همسر واسطه شد. نمی‌دانم چگونه من جواب بله دادم. بعد از ازدواج خیلی سخت گذشت، آرزوی مرگ می‌کردم. همسر به زندگی متعهد نیست او معتاد است و مرا وادار به کشیدن مواد می‌کرد. مادر شوهرم رابطه نامشروع دارد به این وسیله کسب درآمد دارد حتی مادر شوهرم مرا تشویق به این کار می‌کرد. همسرم برایش مهم نبود».

مقوله فرعی تمایز یافتگی: دل‌بستگی پیوند عاطفی عمیقی است که با افراد خاص در زندگی خود برقرار می‌کنیم، طوری که باعث می‌شود وقتی با آن‌ها تعامل می‌کنیم، احساس شغف و نشاط کرده و به هنگام استرس از اینکه آن‌ها را در کنار خود داریم، احساس آرامش می‌کنیم (سید محمدی، ۱۳۸۳، به نقل از Berk, 2001). تمایز یافتگی یعنی میزان فردیتی که یک شخص در مقابل دیگران دارد، فرد تمایز یافته رفتارش وابسته به نوع درخواست خانواده‌ی اولیه نمی‌باشد و به‌طور مستقل عمل می‌کند. امروز یکی از مهم‌ترین دلایل طلاق وابستگی جوانان به والدینشان می‌باشد. جوانان به دلیل دوره‌های طولانی مدت تحصیل، مشکلات اشتغال و ناپایداری شغلی، مشکلات اقتصادی و افزایش هزینه‌های زندگی دچار وابستگی مالی به خانواده‌های خود هستند و این باعث عدم تمایز یافتگی جوانان و دخالت خانواده‌ها شده است. امروزه مشاهده می‌گردد، جدایی از والدین نسبت به گذشته کمتر شده است مخصوصاً این عدم تمایز در خانواده‌های متوسط بیشتر نمود دارد (افقری، بهرامی و فاتحی زاده، ۱۳۹۵).

زوج هفتم در شرف ازدواج می‌گوید: «بعضی از افراد ازدواج می‌کنند اما چشمشان به دست خانواده است و مستقل نیستند. ولی آمادگی ازدواج به این است که از لحاظ فکری به بلوغ رسیده باشند. خودشان مستقل باشند و اجازه دخالت دیگران را ندهند. نگاهشان به والدین نباشد. در جامعه افرادی هستند ازدواج کرده‌اند، فرزند هم دارند اما هنوز از طرف والدینشان حمایت می‌شوند و چشم آن‌ها به والدینشان است».

۳. مقوله مهارت‌های فردی

مقوله فرعی خودآگاهی: علل متعددی بر ازم گسیختگی روابط زناشویی تأثیرگذار است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عدم شناخت فرد از خودش و دیگری است. اغلب ازدواج‌ها در اواخر نوجوانی و اوایل جوانی اتفاق می‌افتد و در این سنین خیلی از زوجین حتی خودشان را نیز نمی‌شناسند چه رسد به اینکه بخواهند شریک زندگی‌شان را بشناسند. جوانانی که بر اثر شرایط محیطی، فشار والدین و دوستان اقدام به ازدواج می‌کنند و مخصوصاً جوانانی که با یک تصمیم هیجانی و شتاب‌زده و بدون مشورت با متخصصین اقدام به ازدواج می‌کنند نه تنها به شناخت ویژگی‌های خود نائل نشده‌اند بلکه بدون شناخت طرف مقابل پا به زندگی زناشویی می‌گذارند (قراچه داغی، ۱۳۹۰).

زوجه ششم در شرف ازدواج می گوید: «فردی که می خواهد ازدواج کند باید خود را بشناسد، کسانی که طلاق می گیرند به خودشناسی نرسیده اند، روحیات خودشان را نمی شناسند. باید اول خودشان را بشناسند. نیازها و علائق خودشان را بشناسند، توانایی های خودشان را بشناسند. بعد از شناخت خود می توانیم طرف مقابل که با علائق و نیازهایمان یکسان باشد را انتخاب کنیم؛ مثلاً یک فرد منزوی نمی تواند با یک فرد اجتماعی ازدواج کند».

مقوله فرعی مهارت تصمیم گیری: توجه به اینکه مهارت حل مسئله و تصمیم گیری، در جهت ارتقا توانایی های روانی و اجتماعی عمل می کند و در نتیجه سلامت روانی، جسمانی و اجتماعی را تأمین می کند، این مهارت ها می توانند منجر به یک زندگی سالم تر شوند. همچنین بر احساس فرد از خود و دیگران و ادراک دیگران از وی نیز تاثیر گذار خواهد بود (بهرامی، معاضدیان، حسینی المدنی، ۱۳۹۱).

زوجه شانزدهم درخواست کننده طلاق می گوید: «من فکر می کردم هرکسی که اقدام به ازدواج می کند، آمادگی لازم را دارد ولی آمادگی روحی و روانی مهم تر از آمادگی جسمی است. شوهرم هنوز بچه است و آمادگی کافی برای ازدواج را نداشت. همسرم به خانواده اش وابسته است، قدرت تصمیم گیری ندارد و از مادرش پیروی می کند. خانواده یعنی اینکه همیشه باهم باشیم و زن و شوهر باهم تصمیم بگیرند اما ما حتی بدون اجازه نمی توانستیم به مسافرت برویم».

مقوله فرعی مهارت حل مسئله: مشکلات در خانواده به دودسته انزاری و عاطفی تقسیم می شوند. مشکلات انزاری مربوط به مسائل روزمره مثل مدیریت مالی، مسکن، پوشاک است و مشکلات عاطفی به مسائل هیجانی و احساسی، مثل خشم و یا افسردگی برمی گردد. خانواده هایی که کارکرد مؤثری دارند اغلب مشکلات خود را به راحتی حل و فصل می کنند. پژوهشگران حل مسئله را به توانایی خانواده در حل و فصل مسائل و مشکلات به وجود آمده در جهت حفظ کارکرد مثبت در خانواده اطلاق می کنند. مراحل حل مسئله در پژوهش ها به شکل زیر ارائه می شود: ۱- شناسایی مشکل ۲- طرح مشکل نزد افراد صاحب صلاحیت ۳- ارائه راه حل های جایگزین قابل اجرا ۴- تصمیم گیری درباره یکی از راه حل های جایگزین ۵- عمل بر مبنای تصمیم گیری ۶- بازبینی عمل ۷- ارزیابی اثربخش این عمل و فرایند حل مسئله (دهقانی، عباسی، ۱۳۹۰).

زوج نهم در شرف ازدواج می گوید: «دو نفر که با هم ازدواج کنند در تمام زندگی شریک هم هستند، باید دست به دست هم بدهند تا شرایط زندگی را بهینه کنند، من اگر تا حدی که بتوانم خودم مسائل را حل می کنم، اگر از دستم برنیاید از همسرم کمک می گیرم و سپس از خانواده ام».

مقوله فرعی هوش هیجانی: تحقیقات نشان داده اند که مهارت های هیجانی نیز در روابط زوجین اثر دارند؛ برای مثال پژوهش های (Fincham, 2004) به نقل از (Clarke & Fincham, 2001)، نشان داده اند که هوش هیجانی یا حداقل برخی از جنبه های آن ظرفیت غنی سازی یک ازدواج توأم با رضایت و سازگاری مطلوب و باثبات را دارد و افراد دارای هوش هیجانی بالاتر در مقایسه با افراد با هوش هیجانی پایین رضایتمندی زناشویی بیشتری را تجربه می کنند (یزدان پناه احمدآبادی، ۱۳۹۱).

زوجه هفدهم درخواست کننده طلاق می گوید: «نه تفریح و نه سرگرمی، نه اوقات فراغت درست و حسابی و نه وقت گذاشتن شوهرم برای من، بلد نبود چطور رفتار کند، خودخواهی و نادیده گرفتن من، خیلی کارها که شاید نباید می کردم را انجام دادم تا رابطه مان بهتر شود اما همش تحقیر، توهین و سرزنش و نادیده گرفتن من شد. او فقط به فکر خودش بود، حتی بلد نبود چطور دوست داشتش را نشان دهد».

۴. مقوله باورهای فردی

(Elice, 1987) نظریه پرداز عقلانی، عاطفی و رفتاری، بیماری‌ها و اختلال‌های روانی را ناشی از شناخت‌های اشتباه، باورها و نگرش‌های نادرست می‌داند. وی تأکید می‌کند که تفکرات غیرمنطقی و انعطاف‌ناپذیری تفکر، علت اصلی اختلاف‌ها در روابط اجتماعی و به‌ویژه روابط زوج‌هاست (شکر بیگی و همکاران، ۱۳۹۵).

زوج چهارم در شرف ازدواج می‌گوید: «ازدواج سستی را قبول ندارم، به نظر من انسان در ارتباط خودش را نشان می‌دهد، دخترهای امروزی اکثراً سرکش هستند ولی من با کسی آشنا شدم که این‌طور نیست. به خاطر من خیلی از خواسته‌های خودش را زیر پا گذاشته است. تفاوت نسل‌ها زیاد شده و دیگر از روی ویژگی‌های پدر و مادر نمی‌توان فرزند را شناخت. من دوست داشتم زودتر ازدواج کنم چون هر چیزی بهاری دارد و فکر کردم اگر بخوام فرزندی داشته باشم باید اختلاف سنی من و فرزندم کم باشد همچنین از نظر من مشورت در زندگی مهم است اما حرف آخر را مرد باید بزند چون مدیریت خانواده با مرد است».

۵. مقوله شیوه زندگی

شیوه زندگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد. فرهنگ زندگی، متأثر از تفسیر ما از زندگی است و هر هدفی را برای زندگی تعیین کنیم، شیوه خاصی را به همراه می‌آورد. مفهوم شیوه و فرهنگ زندگی به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات و اوقات فراغت، کسب و کار، رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف و به عبارت دیگر به همه مسائلی برمی‌گردد که متن زندگی انسان را شکل می‌دهند (صادقی ده چشمه، شریعت، ۱۳۹۴).

مقوله فرعی شیوه زندگی قومیتی: مصاحبه‌شوندگان مسائلی را مطرح می‌کردند که به‌عنوان شیوه زندگی آن‌ها بوده، اما این شیوه بر اساس فرهنگ خانوادگی، قومی و ملی بر ایشان تأثیر گذاشته است. (مه‌دوی کنی، ۱۳۸۶)، شیوه زندگی را به چهار مقوله طبقه‌بندی می‌کند: الف) اموال: سرمایه‌ها و وسایل مصرفی، ب) فعالیت‌ها: عادات، شغل، گذران اوقات فراغت، ج) نگرش‌ها، د) گرایش‌ها و روابط انسانی: از میان فردی گرفته تا اجتماعی.

زوجه پنجم در شرف ازدواج می‌گوید: «من در خانواده‌ای بزرگ‌شده‌ام که مادرم، خواهرم صبوری کرده‌اند و برایشان ساختن زندگی مهم بوده است اما شیوه زندگی مردم عوض شده، نسل جدید صبرشان کم است و ریشه طلاق

در کم‌صبری است. امروزه قبح طلاق ریخته. خیلی از خانم‌ها می‌گویند چون شوهرم این کار رو کرده من هم مقابله به مثل می‌کنم یا طلاق می‌گیرند. برای مردم طلاق عادی شده است».

مقوله فرعی شیوه زندگی عاریتی: مصاحبه‌شوندگان این نوع شیوه زندگی را نسبت به نوع قومیتی مؤثرتر بر احتمال آسیب طلاق گزارش می‌کردند و اذعان داشتند این شیوه از طریق رسانه‌ها و یا تعاملات افراد با فرهنگ‌های بیگانه رخ می‌دهد.

زوج دوم درخواست‌کننده طلاق می‌گوید: «ازدواج خواهر و برادرانم متفاوت و سنتی بود، اما من مخالف بودم خودم دوست شدم و ازدواج کردیم اما الآن عاشق فرد دیگری هستیم، از نظر من زن و مرد وقتی عاشق فرد دیگری شوند می‌توانند از هم جدا شوند. الآن از یکدیگر خسته شدیم، باید به ازدواج مثل رفاقت فکر کرد و می‌توان جدا شد، فرزند تعهد می‌آورد ماقبل از فرزند آوری این کار را کردیم».

۶. مقوله مسائل شخصیتی

مقوله فرعی تیپ شخصیتی: انجمن روانشناسان آمریکا (۲۰۰۰) صفات شخصیت را الگوی مداوم دریافت، ارتباط و تفکر درباره محیط و آنچه که فرد در چندین بافت شخصی و اجتماعی نشان می‌دهد، تعریف کرده‌اند. شخصیت افراد را می‌توان به یک مثلث تشبیه کرد که سه رأس آن را افکار، هیجان‌ها و رفتار وی تشکیل می‌دهد؛ اما شکل‌گیری تیپ شخصیتی افراد بر اساس نوع ترکیب و شدت و ضعف این سه مقوله می‌باشد و اینجاست که الگوهای شخصیتی گوناگونی به وجود می‌آید. در واقع چگونگی رفتار، چگونگی و چرایی تفکر، چگونگی احساس‌ها، واکنش‌ها و نیازهای انسان‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. برخی از افراد بر اساس افکار خود عمل می‌کنند و برخی دیگر بر اساس هیجان‌ات خود رفتار می‌کنند. این تفاوت‌ها با اصل فردیت در شخصیت ارتباط دارد. هرچند در رفتار افراد وجه اشتراک قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود اما در جزئیات تفاوت‌های بسیاری وجود دارد و بیشتر مردم الگوهای رفتاری نسبتاً ثابتی دارند (برادر شاد، معنوی پور و باغداساریانس، ۱۳۹۰).

زوجه چهارم در شرف ازدواج می‌گوید: «من از نظر روحی و روانی قدرت پذیرش فرد دیگری را دارم، دنبال کسی هستم که متعلقانمان مشترک باشد، با هم پیش رویم و پیشرفت کنیم. برخی از افراد دنبال مکمل خود می‌گردند اما من دنبال فردی بودم که شبیه من باشد، هیجانی و پرشور، اجتماعی و اینکه ظاهر و باطنش یکی باشد. خودم را بروز می‌دهم و جمع‌گرا هستم و فردی را یافته‌ام که شبیه من است».

مقوله فرعی اختلالات روان‌شناختی: کلاتری، روشن فکر و جواهری (۱۳۹۰) در تحقیق خود که مروری بر سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران بود، اختلاف سن زوجین، عوامل اقتصادی، وضعیت تحصیلات، عوامل و مسائل خانوادگی، تفاوت عقاید زوجین، ازدواج اجباری، اختلالات روانی، خشونت‌های خانوادگی و ضعف در مهارت‌های ارتباطی را به‌عنوان عوامل مهم در بروز اختلافات زناشویی و در نتیجه طلاق بیان کردند (اسماعیلی و دهدست، ۱۳۹۳).

زوجه نهم درخواست کننده طلاق می گوید: «همسر ثابت تصمیم گیری ندارد، فکر می کند همه او را تحقیر می کنند، تحمل هیچ جا را ندارد، همسر گفت از مشهد برویم کار بهتری در شهرستان پیدا کردم، من گفتم به شرطی که یک سال در آنجا بمانیم اما بعد دو ماه بیکار بود و گفت برگردیم مشهد. به حرف من اصلاً گوش نمی داد. همسر بسیار مهربان است اما ولی ثابت تصمیم گیری ندارد، زود رأی است کم تحمل هم هست. او تقاضای طلاق داده، می گوید من توانایی ذهنی را برای ادامه زندگی ندارم، همسرم داروی ضدافسردگی می خورد».

۷. مقوله ویژگی های ظاهری فرد

مقوله فرعی تناسب و جذابیت ظاهری: در فرایند انتخاب همسر دو نفر که از نظر ظاهری برای هم جاذبه دارند یکدیگر را انتخاب می کنند. می توان ویژگی های ظاهری را به عنوان اولین ملاک و نه مهم ترین آن در نظر گرفت؛ زیرا در برخی ازدواج ها جاذبه پس از مدتی و در کنار شخصیت طرف مقابل ایجاد می شود. نتایج پژوهش های متعدد نشان داده است که بیشتر افراد در انتخاب همسر به این مطلب توجه کرده و شخصی را به همسری برمی گزینند که از لحاظ جذابیت ظاهری به آنان شبیه باشد.

زوج پنجم در شرف ازدواج می گوید: «من معذوب فردی شدم که ظاهر متینی داشت، حجب و حیای ایشان برایم خیلی مهم است. حسی که نسبت به ایشان پیدا کردم به قولی به دلم نشست. ایشان فردی هستند که مادی گرا نیستند، از خانه و ماشین از من سؤال نکردند. صداقت خودش و خانواده ایشان و اصالت خانوادگی او مرا جذب کرد. ظاهر آرایش کرده و دماغ عملی مرا اذیت می کند. من همان صورت واقعی همسرم را دوست دارم».

مقوله فرعی نوع پوشش: نوع پوشش و اهمیت ندادن به ظاهر نیز از مواردی است که می تواند در درگیری های زناشویی و بالأخص طلاق مؤثر باشد.

زوج هجدهم درخواست کننده طلاق می گوید: «ازدواج ما خیلی سریع انجام شد مادر همسرم بیمار بود و اصرار زیادی بر مراسم داشتند. بعد عقد فوت کرد. بعد از آن بی علاقه همسرم را می دیدم چون به من علاقه نداره از ظاهرم ایراد می گیره، به من احترام نمی گذارد و می گوید که حجلت می کشد من با او باشم. حتی عکس دوتایی نداریم عکسهایش را از عکس من جدا می کند. برای من وقت نمی گذارد ولی با دوستش کنسرت می رود. هنوز که تو عقد هستیم بهتره جدا شویم چون برای همسرم ظاهر و تیپ خیلی مهم است».

بحث و نتیجه گیری

برخی پژوهشگران، از جمله (Dupre & Meadows, 2007; Dupre, Beck & Meadows, 2009; Zissimopoulos, 2015; Karney, & Rauer, 2015) طی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که به نظر می رسد مزایای ازدواج در طول زمان افزایش می یابد، به عنوان مثال زوج هایی که ازدواج کرده اند، تجارب بیشتر دارند، ثروت بیشتر، خطرات بهداشتی

کمتر و حتی طول عمر بیشتری را نسبت به کسانی که ازدواج نکرده‌اند یا طول مدت ازدواج کمتری را داشته‌اند تجربه می‌کنند (Maccoy, Rauer & Sabey, 2016).

با تمام فوایدی که از یک ازدواج موفق می‌توان برشمرد و انتظاری که افراد در هنگام ورود به زندگی زناشویی خود دارند و همگی در پی یک زندگی رضایتمند و شاد هستند اما همه‌روزه شاهد گزارش‌های اسفباری از روند افزایش طلاق و ازهم‌پاشیدگی کانون خانواده هستیم اما به‌راستی با تمام تلاشی که سیاست‌گذاران و مربیان آموزشی و مشاوران انجام می‌دهند و باوجود ارتقا سطح وضعیت بهداشتی، علمی و اجتماعی خانواده‌ها چه می‌شود که کانون خانواده در حال فروپاشی است؟

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مقوله‌های فردی مؤثر در بروز طلاق در افراد در شرف ازدواج صورت گرفت تا بتواند به بخش عمده‌ای از سؤال بالا پاسخ گفته باشد. بعد از اجرای مصاحبه و سپس تحلیل داده‌ها و اطلاعات به‌دست‌آمده، هفت مقوله اصلی به‌عنوان مقوله‌های فردی احتمال آسیب طلاق شناسایی شد که در ادامه نظرات متخصصان در خصوص این مقوله‌ها را بررسی می‌کنیم.

(Duncan Larson and Mac Alister, 2014) به نقل از (Busby, 2001)، در مطالعه‌ای زمینه‌ی فردی را شامل ویژگی‌های فردی ذاتی (به‌عنوان مثال سن، جنسیت)، ویژگی‌های شخصیتی و سلامت احساسی (مثلاً مهربانی، روان رنجوری) و باورها و نگرش‌ها (مثلاً باورهای مربوط به ازدواج و خانواده، نگرش به زندگی، نقش‌های جنسیتی) می‌دانند. این ویژگی‌ها می‌توانند دارای یا بدهی را به یک رابطه ارائه دهند. برای مثال، اگرچه دارای‌های انعطاف‌پذیری و مهربانی رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند، افسردگی و اضطراب غیرمنتظره، مشکلات زناشویی را نیز پیش‌بینی می‌کند. مطالعات مقطعی نشان داده‌اند که زوج‌های مضطرب رفتارهای ارتباطی منفی بیشتر و رفتارهای ارتباطی مثبت کمتری از خود نشان می‌دهند و نسبت به زوج‌های رضایتمند توان کمتری در حل تعارض دارند (Lavner, Karney & Bradbury, 2016) به نقل از برادبری (Bradbury & Karney, 2013).

مقایسه‌ای که میان زوج‌هایی با رضایتمندی زناشویی و زوج‌های ناخرسند انجام شد، مشخص گردید که بیشترین تفاوت میان زوج‌ها با ازدواج‌های خوشحال و زوج‌ها یا ازدواج‌های ناراضی در این است که زوج‌های خوشحال از مثبت بودن (مثلاً خنده، محبت) بیشتر در زندگی زناشویی بهره برده و از رفتارهای منفی مانند (مثلاً خشم، کناره‌گیری کردن) در طول زندگی کمتر استفاده می‌کنند (Maccoy, Rauer & Sabey, 2016) به نقل از Volling, Rauer & 2013). نتایج تحقیقات انجام‌شده همگی مؤلفه‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش مانند ویژگی‌های خلقی منفی از قبیل حسادت، خشم، توهین و تحقیر و عدم برخورداری از ویژگی‌های خلقی مثبت مانند مهربانی، رأفت، گذشت، صداقت، تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری را تأیید کرده و جزو عوامل فردی مؤثر بر طلاق می‌داند.

این پژوهش نشان داد که عدم پختگی و عدم مدیریت مالی، عدم مسئولیت، تعهد و تمایز یافتگی و همچنین گرفتن تصمیم احساسی و پایین بودن سن فرد به‌عنوان عدم بلوغ فکری و روانی می‌تواند نشانگرهای خوبی بر احتمال بروز طلاق باشد. فتحی آشتیانی و احمدی (۱۳۸۴) ازدواج‌هایی را موفق می‌دانند که در آن ملاک‌های انتخاب به‌درستی

رعایت شده باشند و طرفین از ملاک‌های خود، آگاهی و تعریفی روشن داشته باشند. به عبارت دیگر طرفین بایستی در انتخاب احساس آزادی داشته، از بلوغ عقلی و فکری لازم برخوردار بوده و بتوانند میان عقل و احساس خود تعادل ایجاد کنند (کیمیایی، صالحی فدردی و غفوری نسب، ۱۳۹۴).

(Karney & Bradbury, 1995) در مطالعات خود دریافتند که نارضایتی و ایجاد جدایی و طلاق متأثر از کیفیت تعامل زوجین می‌باشد؛ اما با وجود نارضایتی در تعاملات، دیده می‌شود برخی از زوجین دوست ندارند از یکدیگر جدا شوند. با بررسی‌های انجام شده در مورد مفهومی بنام تعهد باعث شد که دریابند باید شرکا انگیزه ادامه‌ی رابطه را داشته باشند. وسعت تعهد مانند یک دارایی است که به عنوان یک مفهوم می‌بایست مورد توجه قرار گیرد؛ اما چه چیز باعث تعهد می‌شود. پیش فرض تعهد وضعیت روان‌شناختی و تربیت گذشته‌ی فرد است تا تعهد به اشکال مختلف از جمله وفاداری به شریک و رابطه با او بیانجامد. وفاداری و پایبندی به آن لزوماً به معنای تعهد نیست بلکه بخش کوچکی از آن است. تعهد می‌تواند بعد وسیع تری را در برگیرد (Schoebi and et al, 2012).

(Ainsworth & et al, 1978) چند الگوی دل‌بستگی را در پژوهش‌های خود عنوان نمودند که عبارت‌اند از: شیوه دل‌بستگی ایمن، دوسوگرا، اجتنابی و آشفته. این الگوی دل‌بستگی در ساختارهای روانی فرد درون‌سازی و تلفیق می‌شود. هر یک از این سبک‌های دل‌بستگی در نوع واکنش فرد نسبت به طرف مقابل مؤثر است. بالبی، ۱۹۸۸ می‌گوید: سبک‌های دل‌بستگی همانند ساختارهای شناختی هستند و بار عاطفی دارند اما این بار عاطفی می‌تواند باعث جذب و دفع طرف مقابل گردد. از طرفی نوع شیوه دل‌بستگی در طول مدت عمر انسان کمابیش ثابت می‌ماند (اندوز، حمید پور، ۱۳۸۷).

از دیگر دلایل طلاق عدم مهارت‌های فردی است که می‌تواند در مورد افرادی که از نقاط قوت و ضعف خود و همچنین از توانمندی‌های خود شناختی نداشته و حتی قدرت شناخت دیگری را نداشته یا بدون شناخت طرف مقابل ازدواج نمایند، صحبت به میان می‌آید. همچنین در مهارت‌های زندگی بالأخص خودآگاهی، حل مسئله، قدرت تصمیم‌گیری و مهارت‌های ارتباطی ضعیف باشند، نمی‌توان به آن‌ها به عنوان یک شریک مناسب در زندگی زناشویی تکیه کرد. تحقیقات زیادی در خصوص تأثیر ناتوانی مهارت‌های فردی در عدم موفقیت در زندگی زناشویی صورت پذیرفته است. مقوله فرعی‌ای به دست آمده در این بخش را می‌توان زیرمجموعه‌ای از عناصر مهارت‌های زندگی با تقسیم‌بندی سازمان بهداشت جهانی دانست.

شناخت، تفکرات و باورها نقش برجسته‌ای در زندگی زناشویی و روابط همسران دارند. شناسایی آن‌ها می‌تواند در آشکار ساختن پیش‌زمینه‌های بی‌ثباتی زندگی زناشویی کارساز باشد. در رویکرد شناخت درمانی بک، بر باورهای زناشویی تأکید شده است و از نظر او وقتی طرح‌واره‌های شناختی تحریف شوند، باورهای غیرمنطقی شکل می‌گیرد و این نظام باورها، نظام تفسیری همسران را غیرمنطقی و نادرست به وجود می‌آورد (جمشیدی، صاحب دل و شکوری، ۱۳۹۵، به نقل از Dryden, 2003).

از دیگر عوامل طلاق ناهمخوانی شیوه زندگی زوجین بوده که با تحقیقات مهدوی کنی، ۱۳۸۶، به نقل از لغت‌نامه‌ی House, 1987 همخوانی دارد بر طبق نظر وی شیوه‌ی زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده‌ی گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است. عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و ... که با هم، طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد. همچنین قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲، همسان همسری را همسانی میان دو فرد می‌دانند، نه تنها آنان را به‌سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد.

از طرفی برخی از نظریه‌پردازان از جمله (Nurse, 1396 جهت بررسی آسیب‌های تعاملی به تأثیر اختلالات شخصیت در روابط همسران پرداخته‌اند و بر روی الگوها و چرخه‌های ارتباطی زوجین مبتلا به اختلالات شخصیت، مطالعه کرده‌اند. روحی و همکاران، ۱۳۹۶، یکی از الگوهای متداول در میان زوج‌های پاتولوژیک، الگوی زن و سواستی مرد اجتنابی / وابسته می‌دانند، در این الگو زن کمال‌گرا، سختگیر و کنترل‌کننده و چسبنده است و دائماً انتقاد می‌کند و مرد از مواجهه دوری می‌نماید؛ و باینکه به روابط نزدیک احساس نیاز می‌کند به خاطر ترس از طرد شدن، از همسر خود فاصله گرفته و اجتناب را برمی‌گزیند؛ که در این پژوهش نیز مسائل شخصیتی یکی از مؤلفه‌های احتمال طلاق به دست آمد و با پژوهش‌های مذکور همخوانی دارد.

آخرین مؤلفه‌ی فردی مؤثر بر طلاق ویژگی‌های ظاهری به دست آمد که در احکام اسلامی زیبایی یک کمال است و در شیرینی زندگی تأثیر زیادی دارد. پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - فرمودند: وقتی یکی از شما خواست با زنی ازدواج کند، همان‌گونه که درباره زیبایی صورت تحقیق می‌کند، درباره موی او نیز سؤال کند؛ زیرا موی، یکی از اجزای زیبایی می‌باشد (مجلسی، بیتا). با توجه به بیانات علمای دین و تحقیقات انجام‌شده در هنگام ازدواج هم کفو بودن از همه جهات حتی ویژگی‌های ظاهری از اهمیت بالایی برخوردار است.

پژوهشگران خارجی و داخلی بسیاری در مورد عوامل مؤثر بر فروپاشی زندگی زوجین و مخصوصاً طلاق سال‌ها به بررسی پرداخته‌اند: (Gottman & Levenson, 2003; Amato, 2014; Long & Young, 2007; Olson, Larson & Olson, 2009; Kalmijn, 2010; Sanford, 2010; Paik, 2011; Lavner, Karney & Bradbur, 2016؛ حکیم و زاهدی، ۱۳۸۹؛ کلاتری، روشنفکر و جواهری، ۱۳۹۰؛ خدادادی، نظری و احمدی و حسنی، ۱۳۹۳؛ موسوی، ۱۳۹۳ و بسیاری دیگر از پژوهشگران در مورد طلاق به بحث و بررسی پرداخته‌اند، اما آنچه که مطرح است بررسی طلاق در فرهنگ‌های مختلف است، زیرا در تجربه طلاق ملاحظات فرهنگی وجود دارد. تجربه طلاق میان فرهنگ‌ها و اقوام گوناگون متفاوت است و نتایج پژوهش‌ها هم این تفاوت‌ها را اثبات می‌کند. برای مثال ((Moore & Schwebel, 1994)) دریافتند که دلایل طلاق‌های گزارش‌شده به‌وسیله سفیدپوست‌ها مربوط به مشکلات فرزند پروری و ارتباطی می‌باشد؛ درحالی‌که آمریکایی‌های آفریقایی تبار روابط فرزند پروری و سوءاستفاده جسمانی را به‌عنوان دلیل طلاق ارائه کرده‌اند. دلایل گزارش‌شده به‌وسیله زنان مهاجر کره‌ای با آمریکایی‌ها متفاوت بود. همچنین، در پژوهش ((Chang, 2004)) زنان کره‌ای مشکلات ملموس و عینی مانند

رفتارهای سوءاستفاده گرایانه و منفی همسر و مشکلات مالی را دلیل طلاق عنوان کرده‌اند؛ درحالی که زنان آمریکایی بیشتر به دلایل انتزاعی و عاطفی اشاره کردند؛ بنابراین، روابط زناشویی و طلاق در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه در بافت فرهنگی و اجتماعی رخ می‌دهد. افزون بر آنکه تجربه طلاق ممکن است در میان فرهنگ‌های گوناگون متفاوت باشد، همچنین میان خرده‌فرهنگ‌های یک جامعه نیز ممکن است تفاوت وجود داشته باشد (نوابی نژاد، محمدی، کریمی و فلاح، ۱۳۹۶).

پس این پژوهش بر آن شد تا علل طلاق را بر اساس تجربه زیسته‌ی افراد درخواست‌کننده طلاق و نوع نگرش و دانش افراد در شرف ازدواج بررسی کند و آنچه که در این پژوهش مشاهده شد، اهمیت ویژگی‌های فردی و شخصیتی در میان عوامل مؤثر بر طلاق بود. بالأخص ویژگی‌هایی از قبیل خلق و خوی نامتعارف، عدم بلوغ فکری، عدم تعهد، عدم مسئولیت‌پذیری و ... که بر اساس فرهنگ این جامعه است و با در نظر گرفتن درجه‌ی اهمیت آن، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بر اساس آن برنامه‌ریزی مدون و درستی نموده و آموزشگران پیش از ازدواج و آموزش زندگی خانواده نیز بر اساس آن آموزش دهند. همان‌طور که از پژوهش حاضر مشهود است، مهم‌ترین علت طلاق را می‌توان عوامل فردی برشمرد که بر ویژگی‌های شخصیتی و خصائص و شیوه زندگی فرد، باورها و طرح‌واره‌های فردی استوار است. پس آموزش‌های مؤثر بر انسجام زندگی می‌بایست از ابتدای تولد و حتی از دوران قبل از انعقاد نطفه و حتی قبل از ازدواج والدین، در ابتدا برای والدین و سپس برای کودک صورت پذیرد تا وی برای زندگی زناشویی آینده ساخته شود.

محدودیت‌ها و پیشنهادات پژوهش

پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی بوده است که لازم است به آن اشاره گردد؛ در پژوهش حاضر به دلیل مشکلات اجرایی فاقد اطلاعات مربوط به پیگیری است و لازم است با همکاری مشارکت‌کنندگان پژوهش و سازمان‌های بهداشتی بتوان بعد از بررسی مقوله‌های آسیب طلاق، سلامت زندگی زناشویی افراد نمونه پیگیری شود. جامعه موردنظر در این پژوهش استان خراسان رضوی بود و این می‌تواند با توجه به تنوع فرهنگی در ایران، نتایج را در فرهنگ‌های دیگر متفاوت سازد.

با توجه به مشکلات پیگیری در این پژوهش که شرکت‌کنندگان افراد در شرف ازدواج مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی خراسان رضوی بودند. پیشنهاد می‌گردد نمونه از افراد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره پیش از ازدواج که وقت کافی وجود دارد و علاقه‌مندی آنان نسبت به شرکت در پژوهش به اجرا، پیگیری و صحت پاسخ‌ها کمک می‌کند. اگرچه هدف پژوهش کیفی شناخت پدیده‌های مورد مطالعه است و تعمیم یافته‌ها جزو اهداف پژوهش کیفی نیست، اما با وجود این لازم است با توجه به تنوع فرهنگی مردم ایران این پژوهش در فرهنگ‌های دیگر نیز انجام گردد. با توجه به شناسایی مقوله‌های احتمال آسیب طلاق، درمانگران و مشاوران در مراکز آموزشی و مشاوره می‌توانند بر روی این مسائل تأکید کنند و همچنین در دوره‌های آموزشی مشاوره قبل از ازدواج با نگاه چندبعدی جهت انتخاب همسر مناسب می‌توانند از عوامل و مقوله‌های به‌دست آمده از پژوهش حاضر استفاده نمایند. این

پژوهش با نقشی که در شکل‌گیری و تداوم زندگی زناشویی منسجم دارد، می‌تواند بستری مهم برای تهیه بسته‌های آموزشی و درمانی برای آموزش‌های قبل و حین ازدواج باشد.

تصریح درباره عدم تعارض منافع

نویسندگان متعهد می‌شوند که پژوهش حاضر هیچ‌گونه تضاد منافی ندارد و نتایج آن منافی برای نویسندگان نداشته است و همچنین پژوهش حاضر تحت تأثیر ارتباطات خاص با اشخاص یا مراکزی که پژوهش در آن انجام شده است نبوده است.

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری بوده و از همه زوجین در شرف ازدواج و درخواست‌کننده طلاق که در این پژوهش همکاری داشتند تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

افقری، فاطمه؛ بهرامی، فاطمه؛ فاتحی زاده، مریم السادات. (۱۳۹۵). بررسی آسیب‌های موجود در تعامل زوجین با والدین خود بعد از ازدواج، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، ۱۲(۲)، ۲۰۹-۲۳۹. [Link]

اسماعیلی، معصومه؛ دهلست، کوثر. (۱۳۹۳). ارائه طرحی مفهومی از رابطه تعارض‌های دوران نامزدی (پیش از ازدواج) با رضایت زناشویی (پس از ازدواج)، مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۳)، ۴۴۵-۴۰۵. [link]

آقاجانی مرسا، حسین. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی همسرگزینی، ازدواج و طلاق، انتشارات نشر علم، چاپ اول
اولسون، دیوید اچ؛ اولسون، امی، پیتز، سیگ؛ لارسون، جی. (۲۰۰۶). نقاط قوت رابطه خود را بیابید (بازبینی روابط همسران)، ترجمه دارینی مهرنوش، نوایی نژاد، شکوه (۱۳۹۱)، انتشارات داتره- چاپ اول، تهران.
باگارووی، دنیس. (۲۰۰۱). زوج‌درمانی، ترجمه اندوز، زهرا؛ حمید پور، حسن (۱۳۸۷)، انتشارات آسیم، چاپ اول، تهران.

برادر شاد، نسیرین؛ معنوی پور، داود؛ باغداساریانس، آیتنا. (۱۳۹۰). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا در کارکنان پالایشگاه نفت شهرآبادان، فصلنامه روان‌شناسی تحلیلی شناختی ۲(۱)، ۷۰-۶۱. [link]

بهرامی، فرزانه؛ معاضدیان، آمنه؛ حسینی‌المدنی، سید علی. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش مهارت حل‌مساله و تصمیم‌گیری بر کاهش نگرش مثبت وابستگان به مواد افیونی، فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد، ۷(۲۵)، ۷۲-۵۷. [link]

- تیگر، پاول؛ تیگر، باربارا بارون. (بی تا)، همسر مناسب شما (همسران را از تیپ شخصیتی مناسب خود انتخاب کنید)، ترجمه قراچه داغی، مهدی (۱۳۹۰). انتشارات نقش ونگار، چاپ اول، تهران
- جمشیدی، علی؛ صاحب‌دل، حسین؛ شکوری، زینب. (۱۳۹۵). باورهای ارتباطی و تراز بی‌ثباتی پیوند زناشویی در زنان و مردان متأهل، *مجله آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۲(۴)، ۱۳-۱. [[Link](#)]
- حاجلو، نادر؛ عزیزاده گورادل، جابر؛ قطبی، محمدرضا؛ دلاور قوام، سیما (۱۳۹۲). مقایسه ابعاد عشق‌ورزی بر اساس مدت ازدواج در میان زنان و مردان متأهل، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴(۱)، ۶۳-۴۷. [[Link](#)]
- حسینی بیرجندی، مهدی. (۱۳۹۶). *اصول و روش‌های راهنمایی و مشاوره*، انتشارات جوانه رشد، چاپ اول، تهران.
- حسینی، امین؛ زهرا کار، کیانوش؛ داورنیا، رضا؛ شاکرمی، محمد؛ محمدی، بهناز (۱۳۹۴). رابطه‌ی تعهد زناشویی با ویژگی‌های شخصیتی، *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۲(۵)، ۷۹۶-۷۷۸. [[link](#)]
- حکیم، سید مندر؛ زاهدی فر، بتول. (۱۳۸۹). علل طلاق از دیدگاه اسلام با روش ترتیب نزول، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ۱۳(۴۹)، ۳۴۸-۲۹۳. [[link](#)]
- حیدرنیا، احمد؛ نظری، علی محمد؛ سلیمانان، علی اکبر. (۱۳۹۳). اثربخشی برنامه پیشگیری و بهبود رابطه بر افزایش صمیمیت زوج‌ها، *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، ۴(۱۵)، ۷۸-۶۱. [[link](#)]
- خدادادی سنگده، جواد؛ نظری، علی محمد؛ احمدی، خدابخش؛ حسینی، جعفر. (۱۳۹۳). شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق: مطالعه‌ی کیفی و اکتشافی، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۳(۲۵)، ۲۲-۱. [[link](#)]
- خدادادی سنگده، جواد؛ نظری، علی محمد؛ احمدی، خدابخش. (۱۳۹۶). شاخص‌های سلامت خانواده و ارائه مدل مفهومی خانواده سالم اسلامی-ایرانی: مطالعه کیفی، *فصلنامه روان‌شناسی دین*، ۱۰(۳)، ۴۰-۲۵. [[link](#)]
- راست گو، ناهید؛ گلزاری، محمود؛ براتی سده، فرید (۱۳۹۳). اثربخشی افزایش دانش جنسی بر رضایت زناشویی زنان متأهل، *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، ۵(۱۱)، ۴۸-۳۵. [[link](#)]
- روحی، علیرضا؛ جزایری، رضوان السادات؛ فاتحی زاده، مریم سادات؛ اعتمادی، عذرا. (۱۳۹۶). ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه‌ی آسیب‌های تعاملی زناشویی مردان دارای شخصیت اجتنابی، *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۷(۱)، ۲۰۵-۱۸۱. [[link](#)]
- زارع، حسین؛ فرمانی، اعظم (۱۳۹۶). نقش مقوله‌های صبر در پیش‌بینی رویکردهای یادگیری با واسطه‌گری انعطاف‌پذیری شناختی، *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۳(۴۵)، ۲۰-۱. [[link](#)]
- سالدانا، جانی (۲۰۱۳). *راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران*، ترجمه‌ی گیویان، عبدالله (۱۳۹۵). انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول.
- سایت سازمان ثبت احوال کشور. [[link](#)]

شکر بیگی، عالی؛ احمدی، امید علی؛ ابراهیمی منش، مریم (۱۳۹۵). بازنمایی معنایی ماهیت زندگی زناشویی در ازدواج‌های ناموفق (رویکردی بر ساختگراییانه)، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، ۲(۱)، ۷۸-۶۹. [\[link\]](#)

شعاع کاظمی، مهرانگیز. (۱۳۹۲). آسیب‌های روانی خانواده- برگرفته از دیدگاه‌های روان‌شناسی مشاوره و اسلام، انتشارات آوای نور، چاپ اول، تهران.

صادقی فسایی، سهیلا؛ ایثاری، مریم (۱۳۹۲). «بازتعریف خود و ساخت هویت در میان زنان پس از طلاق»، فصلنامه پژوهشنامه‌ی زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۴(۱)، ۱۳۸-۱۱۱. [\[link\]](#)

صادقی ده چشمه، ستار؛ شریعت، سعیده (۱۳۹۴). سبک زندگی ایرانی اسلامی، اولین کنفرانس پدافند غیرعامل در علوم انسانی، علوم اجتماعی، اقتصاد، مدیریت و توسعه پایدار، موسسه مدیریت همایش‌های ایران، مرکز مطالعات پدافند غیرعامل کشور. [\[link\]](#)

صدرالاشرفی، مسعود؛ طارسی خنکدار، معصومه؛ شمخانی، اژدر؛ یوسفی افراشته، مجید. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن، دوماهنامه‌ی مهندسی فرهنگی، ۷(۱۳ و ۱۴)، ۵۳-۲۶. [\[link\]](#)

غفوری، سمانه؛ مشهدی، علی؛ حسن آبادی، حسین. (۱۳۹۲). اثربخشی روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشودگی در افزایش رضایت‌مندی زناشویی و کاهش تعارضات زوجین شهر مشهد، مجله اصول بهداشت روانی، ۱۵(۱)، ۴۵-۵۷. [\[link\]](#)

فرح‌بخش، کیومرث؛ خاکی، احمد؛ معتمدی، عبدالله. (۱۳۹۶). اثربخشی مداخله مبتنی بر مدل بوم شناختی در کاهش میل به طلاق و تعارض زناشویی، مجله پژوهش‌های مشاوره، ۱۵(۶۲)، ۱۳۹-۱۲۶. [\[link\]](#)

قاسمی، علیرضا؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۲). عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی شهرستان کرمانشاه، مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۰(۶)، ۸۷-۶۹. [\[link\]](#)

کریستین ای. رایان؛ گابورای، ای. کیتتر؛ ایوان دلبویو. میلر؛ دوآن اس. بی‌شاپ. (۲۰۰۵). خانواده‌درمانی: ارزیابی و درمان خانواده‌ها، رویکرد مک مستر، ترجمه دهقانی، محسن، عباسی، مریم. (۱۳۹۰). انتشارات جوانه رشد.

کریمی، یوسف؛ الماسی، سکینه؛ محمدی، رزگار؛ فاضلی، حسن. (۱۳۹۵). مطالعه بسترهای طلاق در افراد مطلقه، پژوهشی پدیدارشناسانه، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۷(۲۵)، ۲۱۰-۱۹۱. [\[link\]](#)

کلاتتری، حسین؛ روشنفکر، پیام؛ جواهری، جلوه. (۱۳۹۰). مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران، مجله مطالعات راهبردی زنان، ۴(۵۳)، ۱۶۲-۱۲۹. [\[link\]](#)

کلاتتری، حسین؛ روشنفکر، پیام. (۱۳۹۳). طلاق در ایران، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.

کیمیایی، سیدعلی؛ صالحی فدردی، جواد؛ غفوری نسب، جواد (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج و مهارت‌های زندگی بر ملاک‌های همسرگزینی و هوش هیجانی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، مجله پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۱(۵)، ۵۱-۴۱. [\[link\]](#)

- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۳
- محمدخانی، شهرام؛ سالمی لنگرودی، آرمان؛ قاسمی، میترا و حکیم پور، صبا. (۱۳۹۵). هوش هیجانی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ی پختگی روان‌شناختی، فصلنامه‌ی شخصیت و تفاوت‌های فردی، ۵(۱۱)، ۲۵-۹. [[link](#)]
- موسوی، سیده فاطمه. (۱۳۹۳). نقش متغیرهای زمینه‌ای در تهدیدثبات ازدواج زنان و مردان متأهل شهر قزوین، فصلنامه‌ی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۹(۲۹)، ۱۲۹-۱۱۳. [[link](#)]
- مهدوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۶). مفهوم سبک زندگی و گستره‌ی آن در علوم اجتماعی، فصلنامه‌ی علمی، پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران، ۱(۱)، ۲۳۰-۱۹۹. [[link](#)]
- نوابی نژاد، شکوه؛ محمدی، رزگار؛ کریمی، یوسف؛ فلاح، عفت. (۱۳۹۶). معنای طلاق از دیدگاه فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی پدیدارشناسانه، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی زن و جامعه، ۸(۳)، ۱۱۶-۹۳. [[link](#)].
- هنریان، مسعوده؛ یونسی، جلال. (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاههای خانواده تهران، فصلنامه‌ی مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۳۱(۳)، ۱۵۲-۱۲۵. [[link](#)]
- یزدان پناه احمدآبادی، منصوره. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به روش اولسون بر انتظار از ازدواج و هوش هیجانی دختران در آستانه ازدواج شهر رفسنجان در سال ۱۳۹۱. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشگاه فردوسی.

References

- Amato, Paul R. (2014), Tradition, Commitment, and Individualism in American Marriages, *Psychological Inquiry*, 25, 42° 46. [[link](#)]
- Atwood, Joan D. (2012) Couples and Money: The Last Taboo, *the American Journal of Family Therapy*, 40(1), 1-19. [[link](#)]
- Birditt, Kira S.; Brown, Edna; Orbuch, Terri L.; McIlvane, Jessica M. (2010). Marital Conflict Behaviors and Implications for Divorce over 16 Years, *Journal Marriage Family*. 72(5), 1188° 1204. [[link](#)]
- Duncan, Stephen F.; Larson, Jeffrey H.; McAllister, Shelece (2014). Characteristics of Individual Associated with Involvement in Different Types of Marriage Preparation Interventions, Interdisciplinary. *Journal of Applied Family Studies*, 63. 680 ° 692. [[Link](#)]
- Fincham, F.D. (2004). Forgiveness and Conflict Resolution in Marriage. *Journal of Family Psychology*, 18(1), 72- 81. [[link](#)]
- Gottman, John Mordechai & Levenson, Robert Wayne (2002). A Two-Factor Model for Predicting When a Couple Will Divorce: Exploratory Analyses Using 14-Year Longitudinal Data, *Family Process*, 41(1), 83-96. [[link](#)]
- Hall, Scott S. (2006). Marital Meaning Exploring Young Adults Belief Systems About arriage, *Journal of Family Issues*, 27(10), 1437-1458. [[link](#)]

- Kalmijn, Matthijs (2010). Racial differences in the effects of parental divorce and separation on children: Generalizing the evidence to a European case, *Journal of Social Science Research*, 39, 845° 856. [[link](#)]
- Kamp Dush, C.M. & Taylor, M.G. (2012). Trajectories of Marital Conflict across the Life Course: Predictors and Interactions with Marital Happiness Trajectories. *Journal of Family Issues* 33 (3), 341-68. [[link](#)]
- Lavner, Justin A.; Karney, Benjamin R. & Bradbury, Thomas N. (2016). Does Couples Communication Predict Marital Satisfaction, or Does Marital Satisfaction Predict Communication? *Journal of Marriage and Family*, 78 (June 2016), 680° 694. [[link](#)]
- Long, L.L., & Young, M.E. (2007). Counseling and Therapy for Couples. *Thomson: BROOKS/COLE*.
- Markman, Howard J.; Rhoades, Galena K.; Stanley, Scott M. and Peterson, Kristina M (2013). A Randomized Clinical Trial of the Effectiveness of Premarital Intervention: Moderators of Divorce Outcomes, *Journal of Family Psychology* © *American Psychological Association*, 27(1), 165° 172. [[link](#)]
- Mccoy, Alexandra; Rauer, Amy; Sabey, Allen (2016). The Meta Marriage: Links between Older Couples Relationship Narratives and Marital Satisfaction, *Family Process*: 1- 15. [[link](#)]
- Olson, David H., Larson, Peter J. & Olson SIGG. Amy (2009). Couple Checkup Tuning up Relationships, *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 8, 129-142. [[link](#)]
- Paik, Anthony (2011), Adolescent Sexuality and the Risk of Marital Dissolution, *Journal of Marriage and Family*, 73, 472 ° 485. [[link](#)]
- Rosen-Grandon, Jane R.; Myers, Jane E. & Hattie, John A. (2004). The Relationship between Marital Characteristics, Marital Interaction Processes, and Marital Satisfaction. *Journal of Counseling & Development*, 82, 58° 68. [[link](#)]
- Sanford K. (2010). Assessing conflict communication in couples comparing the validity of self-report, partner-report, and observer ratings. *Journal of Family Psychology*, 24(2), 165-174. [[link](#)]
- Schoebi, Dominik; Karney Benjamin R. and Bradbury Thomas N. (2012). Stability and Change in the First 10 Years of Marriage: Does Commitment Confer Benefits Beyond the Effects of Satisfaction?, *Journal of Personality and Social Psychology*, 102(4), 729-742. [[link](#)]

References (In Persian)

- Afghari, Fatemeh; Bahrami, FatemehFatehizadeh, Maryam Sadat (2016). Assessing the Existing Damages in the Interactions of Couples and their Parents after Marriage, *New Thoughts on Education Faculty of Education and Psychology, Al-Zahra University*, 2(12),2.9-239. [[Link](#)]

- Aghajani Mersa, Hussein (2008). *Sociology of Marriage, Marriage and Divorce*, Publishing House of Science, First Edition
- Bagarvzi, Denis (2001). *Couple Therapy*, Translation by Anduze, Zahra; Hamidpour, Hasan (2008). Asim Publication, First Printing, Tehran.
- Bahrami, Farzaneh; Moazadeian, Ameneh; Hosseini Al-madani, Seyyed Ali (2012). Effectiveness of counseling skills and decision making on reducing the attitude of opiate dependent relatives, *Quarterly Journal of Research on Addiction*, 7(25), 72-57. [[link](#)]
- Brother Shad, Nasrin; Maanavipour, Davoud; Baghdasariance, Anita (2011). Investigating Psychometric Properties of the Short Form of the California Psychological Questionnaire in Employees of the Oil Refinery at Ahabadan Oil Refinery, *Newest Journal of Industrial Psychology*, 2(8), 61-70. [[Link](#)]
- Christian, A. Rayan; Gaborah, E. Keith; Ivan W., Miller; Dwan, S. Bishop (2005), *Family Therapy: Family Assessment and Treatment, McMaster's Approach*, Translation by Dehghani, Mohsen & Abbasi, Maryam (2011). Growth Publishing House
- Esmaeili, Masoomeh; Dehdast, Kousar (2015). Presentation of a conceptual design of the relationship between marriage contractions (pre marriage) with marital satisfaction (after marriage). *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 4(3), 405-445. [[link](#)]
- Farahbakhsh, Kiumars; Khaki; Ahmad; Motamedi; Abdullah (1396). The Effectiveness of Intervention Based on Ecological Model in Reducing Desire for Divorce and Marital Conflict, *Journal of Consulting Research*, 15(62), 139-126. [[link](#)]
- Ghafouri, Samaneh; Mashhadi, Ali; Hasan Abadi, Hussein (2014). The effectiveness of spiritual psychotherapy based on forgiveness in order to increase marital satisfaction and prevent marital conflicts of couples in the city of Mashhad, *Journal of Fundamentals of Mental*, 4 (15), 45-57. [[link](#)]
- Ghasemi, Alireza; Saroukhani, Bagher (2013). Factors related to divorce in couples applying for divorce in Kermanshah, *Journal of Social Studies in Iran*, 10(4), 87-69. [[link](#)]
- Hajloo, Nader; Alizadeh Goradel, Jaber; Ghotbi, Mohammad Reza; Delavar Ghavam, Sima (2103). Comparison of dimensions of love-making on the basis of the marriage duration between married women and men, *Quarterly Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 4(1), 63-47. [[link](#)]
- Hakim, Seyyed Manzar; Zahedifar Batoul (2010). Causes of Divorce from the Viewpoint of Islam. *Women's Strategic Studies*, 13(49), 293-348. [[link](#)]
- Heidarnia, Ahmad; Nazari, Ali Mohammad; Soleimanian, Ali Akbar (2014). The Effectiveness of the Prevention and Improvement Relationship Program on the Intensity of Couples, *Journal of Clinical Psychology*, 4(15), 78-61.. [[link](#)]

- Honarrian, Massoudeh; Younesi, Jalal (2011). Study of the Causes of Divorce in Tehran's Family Courts, *Quarterly Journal of Clinical Psychology*, 3(1), 152-125. [[link](#)]
- Hosseini Birjandi, Mahdi (2018). *Principles and Methods of counsult and Guide*, Growth Publishing, First Edition, Tehran.
- Hosseini, Amin; Zaharakar, Kianoush; Davarnia, Reza; Shakermi, Mohammad; Mohammadi, Behnaz (1394). Relationship of Marital Engagement with Personality Characteristics, *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*, 22 (5), 796-778. [[link](#)]
- Jamshidi, Ali; Sahebdel, Hussein; Shakouri, Zeinab (2017). Relationship beliefs and instability levels of marital marriage in married women and men, *Journal of Pathology, Family Advice and Enrichment*, 2(4), 1-13. [[Link](#)]
- Karimi, Yousef; Almasi, Sakineh; Mohammadi, Rosgar; Fazeli, Hasan (2016). Study of divorce in divorced women, phenomenological research, *Quarterly Journal of Clinical Psychology*, 7(25), 210-191. [[link](#)]
- Kalantari, Abdolhossein; Roshanfekar Payam; Javaheri, Jelveh (2012). Browse for three decades of Divorce in Iran, *Journal of the Social and Family Cultural Council of Women and Family*, 4(53), 129- 161. [[link](#)]
- Kalantari, Abdolhossein; Roshanfekar Payam (2015). *Divorce in Iran*. Jameshenasan Publications.
- Kimiayee, Seyyed Ali; Salehi Fodardi, Javad; Ghafourinasab, Javad (2015). The Effectiveness of Premarital Skills Training and Life Skills on Clinical Criteria and Emotional Intelligence of Ferdowsi University Students in Mashhad, *Journal of Clinical Psychology Research and Consulting*, 1(5), 51-41. [[link](#)]
- Khodadadi Sangheh, Javad; Nazari, Ali Mohammad; Ahmadi, Khodabakhsh; Hasani, Jafar (2014), Identifying Successful Marriage Indices: Qualitative and Exploratory Study, *Journal of Strategic Studies in Sports and Youth*, 13(25), 22-1. [[link](#)]
- Khodadadi Sangdeh, Javad; Nazari, Ali Mohammad; Ahmadi, Khodabakhsh (2017). Family Health Indicators and Conceptual Model of the Healthy Islamic-Iranian Family: Qualitative Study, *Journal of Psychology of Religion*, 10(3), 40-25. [[link](#)]
- Rastgou, Nahid; Golzari, Mahmoud; Barati sadeh, Farid (2014). The Effectiveness of Increasing Sexual Knowledge on the Marital Satisfaction of Married Women, *Journal of Clinical Psychology*, 5(17), 48-35. [[link](#)]
- Rohi, Alireza; Jazayeri, Rezvanossadat; Fatehizadeh, Maryam Sadat and Etemadi, Azra (2017). Making and studying the psychometric properties of interpersonal intercourse injury questionnaire for men with avoidance personality, *Allameh Tabataba'i University, Educational Measurement Quarterly*, 7(8), 205-181. [[link](#)]

- Sadeghi Fasaei, Soheila; Isari, Maryam (2013). Self-redefinition and identity building among women after divorce, *Quarterly Journal of Women's Studies, Research Institute for Humanities and Cultural Studies*, 4(5), 138-111. [[link](#)]
- Sadeghi Deh cheshmeh, Sattar; Shariat, Saideh (2015). The Iranian Islamic Style of Life, the First Conference on Passive Defense in the Humanities, Social Sciences, Economics, Sustainable Management and Development", *Institute for Managing Conferences in Iran, the Center for Nonprofit Defense Studies*. [[link](#)]
- Sadr al-Ashrafi, Masoud; Taresi Khonakdar; Masoumeh; Shamkhani; Azhdar; Yousefi Afrashteh, Majid (2012). The Pathology of Divorce, Causes and Factors (Preventive Measures), *Dual-Journal of Cultural Engineering*, 7(73, 74), 53-26. [[link](#)]
- Saldana, Johny (2013). *The Coding Manual for Qualitive Researchers*. Translated by Givian, Abdullah (2016). Science and Culture Publication, Tehran.
- Shekar bigi, Aaliyeh; Ahmadi, Omid Ali; Ibrahimimanesh, Maryam (2016). The semantic representation of the nature of marital life in unsuccessful marriages (a constructivist approach), *Journal of Women and Society*, 2(7), 78-69. [[link](#)]
- Shoaa Kazemi, Mehrangiz (2013). *Family Psychosocial Injuries Based on Psychological Perspectives of Consultation and Islam*, Avaye Noor Publications, First Edition, Tehran.
- Majlesi, Mohammad Bagher, *Bahar al-Anwar*, p. 103.
- Mohammad Khani, Shahram; Salemi Langroudi, Arman; Ghasemi, Mitra and Hakimpour, Saba (2015). Emotional intelligence as predictor of psychological maturity, *Personality Quarterly and Individual Differences*, 5(11), 25-9. [[link](#)]
- Mahdavi Kani, Mohammad Saeed (2007). The concept of lifestyle and its scope in the social sciences, *Journal of Iranian Cultural Research*, 1(1), 230-199. [[link](#)]
- Mousavi, Seyedeh Fatemeh (2014). The Role of Land Variables in the Consequences of Marriage of Married Women and Men in Qazvin City, *Journal of Cultural Education in Women and Family*, 9(29), 129-113. [[link](#)]
- Navobinejad, Shokoh; Mohammadi, Rozgar; Karimi, Yousef; Fallah, Efat (1396). The meaning of divorce from the standpoint of a divorced person: a phenomenological qualitative study, *Journal of Women and Society*, 8(3), 116-93. [[link](#)]
- Olson, David H.; Olson, Amy, Sigg, Peter; Larson, J. (2006). *Find your relationship strengths (the couple checkup)*. Translating Darini Mehrnoush; Navabinejad, Shokouh (2012). Tehran University Press.
- Tigr, Powell, Tigr, Barbara Baron (2011), *your suitable wife (choose your spouse from your proper type)*, translation of Gharache Daghi, Mahdi. Naghsh ou Negar Publishing House, First Printing, Tehran

Website of the State Registry Organization. [[link](#)]

Yazdanpanah, Ahmad & Abadi, Mansoureh (2012). *The Effectiveness of Early Premarriage Training by Olson Method on Expectancy of Marriage and Emotional Intelligence of Girls on the Eve of Marriage in Rafsanjan*, Master's thesis on family counseling, Ferdowsi University.

Zare, Hossein; Farmani, Azam (2018). The role of patience components in predicting learning approaches with cognitive flexibility mediation, *Journal of Educational Psychology*, 13 (45), 1-20. [[link](#)]

Foroughi, M., Bagheri, F., Ahadi, H., & Mazaheri, M. The effectiveness of educational interventions of enrichment of marital life with emotional-focused approach during pregnancy on couples' marital satisfaction after the birth of the first child. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 7(2): 55-81. [[link](#)]

